

سرمقاله ...

چماق گردانی

علیه انقلاب دموکراتیک

منصور امان

هیاهوی تبلیغاتی جریانهای راست و محافظه کار خارج کشور و بحثهای انتزاعی آنان پیرامون گزینه و چارچوبهای کشوری آینده اوج بیشتری گرفته است. اگرچه تلاشهای این دسته، هم در بعد سیاسی و هم از نظر عملی دارای زوایای تخریبی مهمی است، با این همه از آن رو که موجب شفافیت رویکرد و عملکرد آنان از یکسو و از سوی دیگر نشان داده شدن ارزش و جایگاه واقعی این فعالیتها دارد، برای جنبش انقلابی، فعالان و پشتیبانان آن یک زاویه مثبت و سازنده نیز دارد.

گذشته همان آینده است!

پاسخ یافتن پرسش پیرامون در بچه ورود آقای رضاهلوی به پهنه سیاست و اپوزیسیون و جایگاهی که برای خود قائل است، یکی از تاثیرات شفاف گرانه تحركات اخیر طیف راست است. او که به لطف تلویزیونهای دولتها و مدیای جریان رسمی اینک به چهره شاخص طیف راست سلطنت طلب برکشیده شده، همواره تلاش کرده نقشی که برای خود قائل است را در ابهام گذاشته و خود را فراتر از ظرفهای سیاسی معرفی کند.

اهمیت این سوال از آنجاست که می تواند آفق سیاسی طیف راست را نشان داده و از ادعاهای دموکراسی طلبی و ترقی خواهی آن راستی آزمایی کند. چرا که یک رژیم پادشاهی با توجه به پیشینه تاریخی سلطنت دستکم در پنج قرن اخیر، به خودی خود هر گزینه ای به جز مردمسالار، تجددخواه و پایدار است. حال اگر این گزینه از جانب فرزند یک دیکتاتور سرنگون شده به میان افکنده شود، پرسش برانگیز تر و ناسازگار تر خواهد بود. در بهترین حالت، «شاهزاده» پیش از هر امر دیگر، برای پاورپذیر کردن دعای خود می بایست به نوسازی بنیادی دستگاه سلطنت بپردازد؛ امری که در گام اول به نقد بیرحمانه گذشته و کارنامه شاهان پهلوی و گسست قطعی از این دوره در تمامی اشکال ساختاری، سیاسی و اقتصادی مشروط شده است. او از کنار گذشته نمی تواند بگذرد و آنچنان که امروز خود را نشان می دهد، در نقش یک باکره سیاسی پدیدار شود. «شاهزاده» نمی تواند، زیرا مقام و لقب اش را از گذشته میراث گرفته و اندوخته ای که خرج می کند، در حساب گذشته سرمایه گذاری شده.

آقای رضا پهلوی اما حتی به این فکر هم نمی کند که با گذشته تصفیه حساب کند. رشته هایی که او را به دوران پیشین پیوند داده، قوی تر، جذاب تر و پر منفعت تر از آینده ای است که در صورت پذیرفتن الزامات

بقیه در صفحه ۳

پیام شادباش سخنگوی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
به مناسبت عید نوروز و آغاز سال ۱۴۰۲

صفحه ۲



حداقل دستمزد،

تحمیل فقر و فلاکت همراه با وعده های پویشالی

زینت میرهاشمی

صفحه ۴

متن سخنان مهدی سامع

در تظاهرات بروکسل

صفحه ۳

متن سخنرانی زینت میرهاشمی

در مراسم ۸ مارس ۱۴۰۱

صفحه ۵

با تاسف بسیار،

رفیق هدایت سلطانزاده درگذشت

صفحه ۱۱

پرونده های بی سرانجام!

مرجان

صفحه ۱۲

یادهای نامیرا

م. وحیدی (م. صبح)

صفحه ۲۰

در این شماره ...

- پارو بزن رفیق همراه، پارو! / سروده زنده یاد رحمان کریمی صفحه ۱۲
- چهارشنبه سوری و جنبش آتش برای سپیده قلیان... الف. شفیق (امیر) صفحه ۱۹
- جنبش رنگین کمان بیشماران... پویا رضوانی صفحه ۱۶
- دانشگاه در ماهی که گذشت... کامران عالمی نژاد صفحه ۲۱
- رویدادهای هنری ماه... فتح الله کیائیهها صفحه ۱۳
- چالشهای معلمان... فرنگیس باقره صفحه ۶
- زنان در مسیر رهایی... اسد طاهری صفحه ۹
- یادواره / رفیق آراز محمد دُردی پور امیر ابراهیمی صفحه ۱۷
- شهادت فدایی در فروردین ماه صفحه ۲۸

«ما بی شمارانیم و برای سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه متحد و متشکل می شویم»

«مرگ بر دیکتاتوری، مرگ بر خامنه ای، زنده باد آزادی»

پیام شادباش سخنگوی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به مناسبت عید نوروز و آغاز سال ۱۴۰۲

متن سخنان مهدی سامع در تظاهرات بروکسل



زنان و مردان سرزمین آفتاب و باد

عید باستانی نوروز و آغاز سال ۱۴۰۲ را از جانب خود و تمامی رفقایم در سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به شما تبریک و شادباش می گویم.
«ترم نرکم می رسد اینک بهار،
خوش به حال روزگار» (فریدون مشیری)

نسیم بهاری نوید سپری شدن زمستان را می دهد و پرستوها شور انگیزترین عاشقانه ها را پس از گذر از جنبش آتش در شب چهارشنبه سوری، مژده سپری شدن زمستان را می دهند. آرزو می کنم که سالی سرشار از عشق و دوستی و بدون هر نوع ستم و تبعیض جنسیتی، مذهبی و ملی در پیش باشد.

سال جدید و جنبش بهار را در شرایطی آغاز می کنیم که جرّقه قتل حکومتی زنده یاد ژینا (مهسا امینی) آتشی را شعله ور کرد که روشنایی آن مژده پیروزی بر شب تیره استبداد مذهبی می دهد. اکنون که خیزش انقلابی با پیشتازی زنان در جنبش بهار و جشن پیروزی بر تباهی، و در جشن بالندگی و زایش و شکوفایی رستاخیز طبیعت درهم آمیخته، نام و یاد زنان و مردانی که در سال گذشته برای رهایی به کاروان شهیدان سرفراز صلح و آزادی پیوستند را گرامی می داریم.

باور کنیم که روز خجسته آزادی مردم ایران فراخواهد رسید و عمر نظام ننگین ولایت فقیه با وجود ددمنشانه ترین سرکوبها به پایان خواهد رسید و کاخ نظام چهل و جنایت مثل همه پیشینیانش بر سر ساکنان آن فرو خواهد ریخت. این را قیامهای زنان و مردان، جوانان، کارگران، معلمان، کشاورزان، پرستاران، دانشجویان، بازنشستگان، کسبه و اصناف و فعالان سیاسی اجتماعی و فرهنگی، در ستیز با شاکله ولایت خامنه ای در تمامیت آن، نشان دادند.

هم وطنان عزیز

اکنون که در لحظه تحویل سال نو گرد سفره هفت سین نشسته ایم، شماری از خانواده ها در اندوه فقدان وابستگان شان هستند. با یاد و نام جاویدان شهیدان انقلاب، پیمان می بندیم که جنایتهای جمهوری اسلامی را نه فراموش می کنیم و نه می بخشیم. با ستایش از مقاومت زندانیان سیاسی و عقیدتی که تحت شدیدترین شکنجه ها و رفتارهای ضد انسانی قرار دارند و ادای احترام به خانواده شهدا و زندانیان سیاسی، به همه آنها درود می فرستیم و برای شان موفقیت و سرفرازی آرزو می کنیم.

زنان و مردان ایران زمین

در سال گذشته، حاکمیت با تمام امکاناتش مردم را از نظر اقتصادی، سیاسی و اجتماعی تحت ستم و غارت قرار داد و حقوق اولیه آنان را پایمال نمود. اما مردم ایران به ویژه فرودستان و تهیدستان تسلیم شرایط نشدند و به اشکال مختلف خشم و نفرت خود را از رژیم ولایت فقیه نشان دادند. در آستانه سال جدید پیمان می بندیم که هرگز تسلیم جهل و استبداد نشویم و به همه زنان و مردانی که در سراسر ایران و در گوشه و کنار جهان برای سعادت مردم ایران مبارزه می کنند یاری رسانیم.

ما بیشمارانیم و در لحظه تحویل سال و روز خجسته نوروز به استقبال بهار می رویم و با امید به بهار آزادی، با هم متحد می شویم و دست در دست هم دیو جهل و سیاهی را با نور تابان خورشید به بند می کشیم.

مهدی سامع

دوشنبه ۲۹ اسفند ۱۴۰۱

خانمها آقایان؛ با سلام بر شما و درود فراوان بر زنان و مردان دلیر ایران زمین و جوانان شجاع شورشگر که در انقلاب ژینا جلوه ای درخشان از مبارزه برای آزادی، رهایی و عدالت را نشان دادند.

جاویدان باد یاد و نام شهیدان جنبش انقلابی مردم ایران.

ادای احترام می کنم به خانواده شهیدان و ستایش می کنم از مقاومت زندانیان سیاسی که زیر شدیدترین شکنجه ها مقاومت می کنند.

در آخرین روز سال انقلاب پر فروغ مردم ایران، بوی بهار و نجوای بهار آزادی را حس می کنیم. آری بهار آزادی فرا می رسد. کمک می گیرم از مولانا که سرود:

جمله بی قراریت از طلب قرار تست / طالب بی قرار شو تا که قرار آیدت.

همراه با مردم سراسر کشور که بی قرار در طلب آزادی خیابانها را فتح کردند، عید نوروز و جشن بهار را شادباش می گویم و آرزو می کنم که جشن رهایی را نه فقط در میدان آزادی بلکه در سراسر ایران رنگین کمان بر گزار کنیم.

دوستان عزیز، شورای عالی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران پیرامون انقلابی که از روز جمعه ۲۵ شهریور سال جاری با قتل حکومتی جاوید نام مهسا امینی آغاز شد، اعلام کرده است که: «مردم با خیزشهای اعتراضی شاکله بی ریخت حکومتی که با تبهکاری و تنها با سرکوبهای بی محابا به حیات ننگین خود ادامه می دهد را به مبارزه سرنوشت ساز طلبیدند و در حالی که "مقام معظم" در تدارک ولیعهدی "آقا مجتبی" بود، جامعه با کنش خود میز "آقا" را به هم ریخت و نام "ژینا" را به عنوان "اسم رمز" یک خیزش و قیام تاریخی به ثبت رساند.

جامعه ای که آستن شورش، قیام و انقلاب بود، تولد دوران نوینی را با عزم و رزم خود اعلام کرد و با تایید این که انقلاب جشن ستمدیدگان و استثمارشدگان است، آتش برافروخت و پیرامون آن و دست در دست هم آرزوی "رقصی چنین میانه میدان" را به واقعیت تبدیل کرد.

در برابر این پیکار سرنوشت ساز، ولی فقیه نظام همه شگردهای خود را به کارگرفته تا با کمک سرکوبگران، غارتگران، انگلها، آدمکشان، تجاوزکاران، لومپنها، چنگیرها و همه آنهاهی که فاقد حداقل شرافت هستند، انقلاب را سرکوب و خاموش کند.

دوستان عزیز؛ حکومت و مدافعان آن به این گفتمان دامن می زنند که جنبش انقلابی مهار شده و انقلاب تمام شده است. هر کسی و هر نیرویی اگر گوشی برای شنیدن و چشمی برای دیدن دارد، به صدای رسای مردم در شب چهارشنبه سوری گوش کند و شعله های پرفروغ در آن شب حماسی را مشاهده کند و یا گردنهماییها بر مزار شهیدان در آخرین پنجشنبه سال را ببیند و شبها سری به خیابان بزند و شعارهای شبانه را گوش کند و یا جمعه های پرتوان مردم بلوچستان را مشاهده کند. مسیر انقلاب یک اتوبان با چند باند نیست. راهی دشوار و پرتلاطم است که با اتحاد و همبستگی و عمل انقلابی هموار می شود.

خانمها، آقایان

صحبتهایم را با طرح دو نکته اساسی از دیدگاههای سازمان ما خاتمه می دهم:

یک: مساله کسب آزادی و مبارزه برای رهایی از استبداد مذهبی حق و وظیفه مردم ایران و زنان و مردان آزادیخواه ایرانی است. این وظیفه فقط و فقط در انحصار مردم ایران و نیروهای پیشتاز و کانونهای شورشی است. ما از هیچ قدرت خارجی نمی خواهیم که به نیابت از جانب مردم ایران این وظیفه را به عهده گیرند و بنابراین ما مخالف جنگ خارجی و جنگهای نیابتی هستیم.

دوم: تنها خواست و انتظار ما از دولتهای جهان و از سازمان ملل متحد این است که بر اساس پرسنپیهای اعلام شده خود و به خاطر پایبندی به میثاقهای و عهدنامه های حقوق بشر، به استبداد مذهبی حاکم بر ایران یاری نرسانند و با آن ماشاات نکنند، ابزارهای سرکوب و سانسور را در اختیار حاکمان ستمگر ایران قرار ندهند، سپاه پاسداران را به عنوان یک نهاد تروریستی نامگذاری کنند و حق مردم ایران برای تعیین سرنوشت خود و سرنگونی استبداد مذهبی و استقرار یک جمهوری دمکراتیک بدون هرگونه تبعیض مذهبی، جنسیتی و ملی را به رسمیت شناسند.

سیاس که به من گوش کردید.

بروکسل، دوشنبه ۲۹ اسفند ۱۴۰۱ - ۲۰ مارس ۲۰۲۳

سرمقاله ...

چماق گردانی علیه انقلاب دموکراتیک

منصور امان

تحقق اش، نقشی بیشتر از تشریفاتی در آن ندارد. از این رو ترجیح می دهد با ترسیم آینده ای رنگ آمیزی شده با چند مفهوم عام و رایج مانند سکولاریسم، دموکراسی و جز آن از تیررس نگاه های پرسشگر بگریزد. تصادفی نیست که وی با همان زبانی که دوران سیاه دیکتاتوری و خفقان محمدرضا شاه را به سطح «اشتباهات» تخفیف می دهد، به گونه کشف در باب حقوق بشر و انتخابات آزاد داد سخن می دهد.

شمشیر کشی علیه قیام

اما رابطه آقای پهلوی با دوره گذشته همیشه یک رابطه پنهانی نیست. این امر به ویژه با شدت گرفتن تحولات و طیف راست برای کشیدن خود به جلوی صحنه سیاسی تا حدود زیادی علنی تر می شود. راه انداختن تظاهرات علیه «فتنه ۵۷» گوشه ای از ویرترین مه آلود جریان راست سلطنت طلب و جبهه گیری آن علیه خواسته های دموکراتیک و تاریخی مردم ایران را شفاف ساخت.

فرزند شاه سابق با شمشیر بستن از رو علیه قیام ۵۷، مرزهای خود را به روشنی نه فقط با گذشته، بلکه با آینده نیز ترسیم کرد. سوو استفاده بقایا و هواداران نظام پیشین از برآمد قیام ۵۷ و قدرت گرفتن ارتجاع و استبداد دینی برای محقق جلوه دادن رژیم سابق موضوع تازه ای نیست؛ تازه آن است که آقای رضا پهلوی مخالفت فهم پذیر خود با تحولی که منجر به از دست رفتن تاج و تخت احتمالی اش شد را به مانیفست سیاسی تبدیل و آن را پایه بسیج نیرو ساخته است. او در اینجا دیگر تنها با برآمد قیام ۵۷ مشکل ندارد، او به ستیز با انگیزه، خاستگاه و مطالبات دموکراتیک قیام و یک گام جلوتر، پروسه تاریخی آن برخاسته است.

کاهش و تحقیر قیام ۵۷ و مبارزه ای تا پای جان میلیونها زن و مرد و جوان در سراسر کشور برای برچیدن دیکتاتوری مطلقه پادشاهی به آنچه که استبداد مطلقه ولایت فقهی بر سر همین تلاش ملی آورد، تحریف اگاهانه تاریخی است که هنوز در ذهن و یاد بخش بزرگی از جامعه کنونی ایران زنده و حاضر است. هدف از این همانی و یکی وانمود کردن قیام و رژیمی که به واسطه اش به قدرت رسید، سایه اندازی بر نیروی درونی و خود پویه قیام و مخدوش ساختن هویت سیاسی آن است. راست سلطنت طلب اصلی ترین مطالبات قیام همچون آزادی بیان، احزاب، مطبوعات، پاسخگو کردن حاکمان در برابر مردم، تفکیک قوا، عدالت و جز آن را که با نفی استبداد و دیکتاتوری راه حل می یافت، انکار می کند تا نه فقط قیام را ناحق بنمایاند و سلطنت را تبرئه کند، بلکه و فراتر از آن، انقلاب و تحول از پایین را شیطانی و مخرب معرفی کرده و برای نوع مشخصی از تغییرات از بالا که او خود متولی و تعیین کننده آن است، مشروعیت بخرد.

همسویی گفتمانی با «نظام»

وارونه نمایی و انکار سرچشمه و انگیزه قیام بهمن همان متدی است که حاکمان ج.ا نیز برای مشروعیت بخشیدن به نظم سیاسی خود به کار می بندند. از این منظر طیف سلطنت طلب با طیف ولایت فقیه کاملاً همسو است. استبداد مذهبی حاکم هم با تمام توان سیاسی و تبلیغاتی تلاش می کند بر آرمانهای قیام سرپوش بگذارد و مفاهیمی جعلی مانند «برقراری حاکمیت اسلام»، «مبارزه با فساد اخلاقی»، «حفظ

دین»، «آمریکا ستیزی» و جز آن را جایگزین آنها کند.

در پرتو انکار و مقابله جویی با تاریخ آزادیخواهی مردم ایران و قیامی که «صدای» آن را حتی شاه هم شنید، می توان ارزش و اعتبار ادعاهای آقای رضا پهلوی پیرامون دموکراسی، حقوق بشر، انتخابات آزاد و جز آن را نیز سنجید. برای برقراری و حاکم گرداندن مناسبات دموکراتیک و مدرنیته در ایران، فقط یک بستر وجود دارد و نه بیشتر و آن بستر اجتماعی و تاریخی چنین مطالبه ای است که از بیش از دو قرن گذشته تاکنون، ذهنیت و اراده جمعی توده آزادیخواه و عدالت جو را شکل داده و پایه جنبشهای اجتماعی و خیزشهای راهبیشش بوده است. این خواسته و آرزو باوجود سرکوب و دوره های کوتاه یا طولانی خفقان، هیچگاه از صحنه سیاسی و اجتماعی کشور حذف نشده و همواره ماده اصلی آگاهی و انگیزه ثابت ستیز با استبداد و ارتجاع بوده است. این زمین باروری است که نهال آزادی می تواند در آن ریشه بدواند و به اتکای نیروی درونی و تاریخی اش میوه و ثمر دهد. «شاهزاده» اما از برهوت و کویر اجتماعی صحبت می کند؛ جایی بدون پیشینه با مردمانی مرده و تسلیم که «فتنه» کرده اند و حال او می خواهد از ویلای مجللش در حومه واشنگتن، دموکراسی و سکولاریسم برایشان ارمان بیانور.

به میدان آوردن شکنجه گران، چماقداران

گوشه ای از آینده و گزینه ای که او عرضه می کند، در تجمعی به دعوت «شاهزاده» به مناسبت «فتنه ۵۷» در برابر دید همگان قرار گرفت. در این گردهمایی - سازگار با مضمون دعوت آن - از سر کرده شکنجه گران ساواک نیز به گونه رسمی پرده برداری شد.

آقای پرویز ثابتی از هنگام فرار از ایران، به دلایل فهم پذیر به صورت نیمه مخفی زندگی می کرد و از شرکت در مجامع علنی به شدت پرهیز داشت. اقبالی شدن یکباره او در شرایط حاضر، اتفاقی نیست؛ ادعایی که نقش وی در رژیم گذشته می تواند آن را توضیح دهد. او نماد یک دستگاه مخوف امنیتی است که با تمام توان و با به کارگیری غیرانسانی ترین و وحشیانه ترین ابزارها، از امنیت و بقای رژیم در برابر مخالفان، منتقدان و ناراضیان پاسداری می کرد. آقای ثابتی با شلاق زنها و ناخن کشهایش، با اعدام و ترور زندانیان، پاسخ رژیم شاه به خواست آزادی، عدالت و حقوق شهروندی بود.

ژست گرفتن با این فرد بدنام و سابقه دار بهترین تبلیغ برای دموکراسی و گزینه «مردمسالار» نیست، مگر آنکه اتاق فکر سلطنت طلبان پس از تبلیغات پوپولیستی در باره دامن زنان و کراوات مردان در دوره گذشته، نوستالژی سرکوب مخالفان را هم به مثابه راهی برای جذب مخاطب، بسیج نیرو و فشار بر «معاندان» کشف کرده باشد. برای بخشی از این طیف که به گونه افسارگسیخته علیه افراد و جریانهای دیگر مشغول کار است، گفتمان آقای ثابتی می تواند هم جذاب و هم الهام بخش باشد. پیام لوس انجلس به سرعت توسط این دسته دریافت شد. آنها در چند تجمع بعدی تصویر سرشکنجه گر مشهور را به دست گرفتند و در جای دیگری (بلژیک) به حملات فیزیکی و چماق کشی خود ابعاد تازه ای داده و تا مرز به بیمارستان فرستادن یکی از شرکت کنندگان در تجمع عمومی که پلاکاردی مخالف را در دست گرفته بود، پیش رفتند.

آقای رضا پهلوی نه از حضور سرشکنجه گر ساواک در گردهمایی خود تبری جست و نه حمله به مخالفان را حتی به طور ضمنی محکوم کرد. وی در برابر آمیختگی و آلودگی محیط اجتماعی سلطنت طلبان در فضای حقیقی و مجازی با مزدوران اطلاعاتی ج.ا نیز ترجیح داده سکوت کند تا با شعار «جاوید شاه» هر دو طرف، خود را جا بیندازد. «شاهزاده» مشغول ایفای همان نقشی است که «امام» در دو سال ابتدایی رسیدن به قدرت بازی کرد. او هم در برابر تاخت و تاز جنایتکارانه زبردستانش علیه نیروهای سیاسی، زنان، تجمعات،

روزنامه ها و جز آن و سکوت می کرد و ژست بیطرف می گرفت، در حالیکه در پنهان آنها را سازمان می داد، هدایت می کرد و برای انجام وظایف بزرگتر آماده می ساخت. تفاوت این دو در آن است که آخوند خمینی این رویکرد را پس از به قدرت رسیدن پی گرفت و اقتدر زیرکی داشت که پیش از آن با بزک مداراجویی و واتیکان مسلکی پدیدار شود، حال آنکه آقای رضاپهلوی هنوز کفشپایش جفت نشده، پابرهنه وسط میدان دویده و تکلیف مخالفان و منتقدان را روشن کرده است. وقتی «شاهزاده» پیش از رسیدن به تاج و تخت و گروه فشار پیرامون او پیش از استخدام رسمی، زیر چتر دموکراسیهای اروپایی و آمریکایی چنین تاخت و تاز می کنند، هر کسی می تواند تصور کند در صورت صاحب منصب شدن آنها در ایران چه روی خواهد داد!

سردرگمی یک گزینه رسانه ای

با این همه، آنهایی که آقای رضاپهلوی و طیف سلطنت طلب را در بحث آلترناتیوها چندان جدی نمی گرفتند، پس از تحولات اخیر ایران، در این ارزیابی خود را محق تر یافتند. زیگراهای سیاسی طیف مزبور نشانه روشنی از بلاتکلیفی و سردرگمی در راهبرد است. آنها ابتدا و زیر تاثیر حمایت چند سلبریتی، ذوق زده شده و طرح «اتلاف» را به دست گرفتند. کمی بعد با محاسبه غلط

از میزان بهره وری اجتماعی «جورج تاون»، ایده «اتلاف» را کنار گذاشتند و اسب «وکالت» را زین کردند. آنگاه که دریافتند از این نمذ نیز کلاهی نصیب شان نمی شود، به فرمی بین «اتلاف» و «نه اتلاف» روی آوردند که اینک به موضوع اختلاف در جمع «خودیها» پیرامون این سووال که بالاخره تخم می گذارد یا بار می برد، تبدیل شده است. بی ثباتی سیاسی این طیف اما مساله امروز نیست، لیست طرحهای نیمه کاره یا شکست خورده آنها طولانی است و می توان به خوبی پنداشت که «مشور» انتهای آن نیست.

در پهنه عملی نیز جریان «شاهزاده» بیلان امیدوارکننده ای ندارد. فراخوان تظاهرات آنها علیه «فتنه ۵۷»، شکست سختی خورد و این با وجود پشتیبانی همه جانبه و بی دریغ تلویزیونهای دولتی و شبه دولتی خارج و رسانه های رسمی و تدارک مالی و لجستیکی سنگین بود. در پهنه مهمترین وظیفه ای که آقای رضاپهلوی و اطرافیان برای خود تعیین کرده اند، یعنی «مذاکره با دولتهای خارجی» هم محصولات بهتر از این نبوده است. شرکت در یک میز گرد چند نفره در حاشیه نشست امنیتی مونیخ و به همین ترتیب سخنرانی در یکی از سالنهای گفتگو در ساختمان پارلمان اروپا، بدون هیچ نتیجه عملی یا حتی وعده ای، دستاورد این تلاش بود. جریان این گشت و گذار اما آنگاه پرسش برانگیز تر و بی ربط تر به مساله جنبش انقلابی داخلی می شود که به هویت ترتیب دهندگان آن دقت گردد. آنها از لایبهای شناخته شده و سابقه دار مماشاش تا ج.ا در دستگاه دولتی ایالات متحده هستند. خانم «سوزان مولونی» که شخصا «شاهزاده» و ملتزمین را در مونیخ همراهی می کرد، یکی از چهره های مشهور اینان است که با تمامی کارتهای مماشاش از آخوند فرسنگانی تا آخوند روحانی بازی کرده است؛ علت چرخیدن کلید مدیای دولتی و نیمه دولتی از «مدره ها» و «اصلاح طلبان» به سمت «سلطنت طلبان» را نیز همین طیف می تواند توضیح دهد.

برآمد

با این کارنامه ضعیف و پُشتوانه ناپاک، نه فقط مصادره جنبش دموکراتیک و انقلابی ایران و موج سواری روی تلاطمهای آن تصور پذیر نیست، بلکه حتی در جدی بودن قصد بازگرداندن سلطنت هم باید تردید کرد. آنچه که می ماند، سنگ اندازی در حرکتهای ایرانیان خارج کشور، تضعیف روحیه همبستگی آنها، انحراف توجهات از رژیم حاکم به جار و جنجالهای بیهوده و تخریب خصلت و جهتگیری و مطالبات دموکراتیک ایران است.

حداقل دستمزد، تحمیل فقر و فلاکت همراه با وعده های پوشالی

زینت میرهاشمی

علی اصغر آهنی ها، نماینده کارفرمایان در جلسه شورای عالی کار در رابطه با چرایی عدم افزایش مزد بر اساس نرخ تورم، وعده های بی پایه رئیسی مبنی بر بهتر شدن وضع اقتصاد و کاهش نرخ تورم در سال آینده را دلیل نابرابری افزایش حقوق با تورم دانسته است. وی گفت: «ما از اظهارات مطرح شده توسط نمایندگان دولت متوجه شدیم که دولت برنامه ریزی بسیار خوبی در زمینه کنترل و مهار تورم در سال آتی کرده است.»

رئیس‌ی بیش از یک سال و نیم است که به ریاست رسیده و در این مدت ارزش ریال پایین آمده و نرخ تورم بالا رفته است و بهتر است بگوییم درجه فلاکت اقتصادی و فقر بیشتر از قبل شده است. بازنشستگان به درستی شعار می دهند؛ رئیسی دروغگو حاصل وعده هات کو.

قبل از مصوبه شورای عالی کار، بنا به داده های آماری رسانه های حکومتی به نقل از نمایندگان دولتی کارگری و کارفرمایی «رقم هزینه سبد معیشت کارگران را ۱۳ میلیون و ۹۰ هزار تومان» اعلام کردند. (تلگرام خبر فوری) و این در حالی است که بر اساس بسیاری از ارزیابیها، خط فقر بیش از ۱۵ تا ۲۰ میلیون برآورده شده است و رقم ۵ میلیون و ۴۸۵ هزار تومان تعیین شده برای سال ۱۴۰۲، یعنی نزدیک به یک چهارم زیر خط فقر.

به گزارش اقتصاد نیوز، بر اساس تازه ترین گزارش مرکز آمار؛ قدرت خرید مردم ایران در بهمن ۱۴۰۱ نسبت به سال گذشته، ۵۳ درصد کاهش یافت و تورم خوراکیها در بهمن ۱۴۰۱ از مرز ۷۰ درصد گذشت. این در حالی

است که انجمن ملی حمایت از حقوق مصرف کنندگان بیش از هشت ماه است که حاضر نیست گزارش «رصد و پایش بازار» را منتشر کند. (دوشنبه ۳ بهمن ۱۴۰۱) خامنه ای سال ۱۴۰۲ را سال «مهار تورم، رشد تولید» نامگذاری کرده است. از حرفهای پوچ ولی فقیه ارتجاع بگذریم، نامگذاریهای او دقیقاً تعیین سیاست تشدید فقر و تنگدستی به سود سیاستهای تروریستی حکومت است. به عنوان مثال، نامگذاری «اقتصاد مقاومتی» دقیقاً هدف تحمیل فقر و ریاضت را به دنبال داشت. چشم انداز نامگذاری سال ۱۴۰۲ از پیش روشن است. هدف دادن امید برای مهار خشم مردم و اعتراض در برابر فلاکت فقر و تنگدستی است. اما مردم با شعارهای هدمند مانند «فقر و گرونی میریم تا سرنگونی»، «امسال سال خونه، سید علی سرنگونه» و... این نامگذاریهای بی محتوای خامنه ای ضحاک را به سخره می گیرند.

سرانجام روز دوشنبه ۲۹ اسفند ۱۴۰۱، در اتحادی سه جانبه در شورای عالی کار، برای بردگی و استثمار بیشتر نیروهای کار، تصمیم گرفته شد که مزد پایه برای میلیونها نفر از نیروهای کار ۲۷ درصد افزایش یابد. این تصمیم در شورای عالی کار بدون دخالت تشکلهای مستقل کارگری و نمایندگان واقعی نیروهای کار تعیین شد. شورای عالی کار، نهاد دولتی متشکل از سرمایه دار بزرگ (دولت)، نماینده کارفرمایان و نماینده حکومتی کارگران، مانند همه ساله نمایش تکراری خود را در روزهای پایانی سال به پایان رساند. بر اساس مصوبه شورای عالی کار، حقوق حداقلی کارگران برای سال ۱۴۰۲، با افزایش ۲۷ درصدی برای ماههای ۳۱ روزه، به ۵ میلیون و ۴۸۵ هزار تومان و برای ماههای ۲۹ روزه به ۵ میلیون و ۱۳۱ هزار و ۳۴۱ تومان رسید.

بر اساس ماده ۴۱ قانون کار موجود، حداقل حقوق باید بر اساس تورم و نیازهای اولیه یک خانواده چهار نفری باشد. قانونی که هیچگاه رعایت نشده و همواره فاصله مزد با تورم باعث فقر بیشتر و خالی شدن سفره کارگران شده است. حتی اگر نرخ تورم هم رعایت شود، رقم تورم در ابتدای سال تا پایان سال رشدی غیر متعارف دارد. در نتیجه همه ساله حداقل حقوق، نه تنها افزایش پیدا نکرده بلکه قدرت خرید مزدبگیران مرتب کاهش پیدا کرده است.



افرادی که به عنوان نماینده کارگران در این نهاد به اصطلاح سه جانبه شرکت می کنند، افراد گزینشی، از تشکلهای زرد کارگری (دولت ساخته) هستند. نقش آنها در نهایت تن دادن به خروجه شورای عالی کار است. نمایندگان گزینشی، کارگری، به موازات شرکت در بند و بست با دولت، نقش بازاریاندگی در اعتراضات نیروهای کار را هم بر دوش دارند.

در این سه جانبه گری، نماینده دولت و نماینده کارفرمایان منافع مشترک در غارت و استثمار نیروهای کار دارند. طبیعی است که نقش نماینده گزینشی کارگری، به عنوان بازیگر سوم، همکاری است تا چالشگری به نفع نیروهای کار.



علی خدایی، نماینده کارگری حکومتی در جلسه شورای عالی کار به خوبی به نقش همکاری با دو عضو دیگر این نهاد علیه منافع کارگران تاکید کرده است. او در گزارشی در ایلنا ۲۹ اسفند ۱۴۰۱ به روند تصمیم گیری در شورای عالی کار با گفتن این که «ما میان راضی بودن و رضایت دادن باید تفکیک قائل شویم» و این که «ملاک تصمیم گیری شورای عالی کار تورم نبوده است»، عملاً به ترجیح منافع طبقه سرمایه دار و مصالح حفظ نظام به منافع کارگران، اعتراف کرد. در شرایطی که همه وعده های تاکنونی رژیم بر سر همسانسازی حقوق و یا افزایش دو نوبته با توجه به نرخ تورم در میانه سال انجام نشده است، نمایندگان حکومت ساخته کارگری شرمگینانه وعده پوچ وزیر کار رژیم را پایه توافق خود برای میزان ناچیز افزایش پایه حقوق دانسته اند.

متن سخنرانی زینت میرهاشمی در مراسم ۸ مارس



باوان دختر شهید فرشته احمدی بر مزار مادرش
مهاباد

کنیم که رهایی زنان از بردگی و تبعیض تنها با سرنگونی کامل استبداد دینی حکم محقق خواهد شد از این رو جنبش رهایی زنان با جنبش ضد دیکتاتوری برای سرنگونی نظام حاکم پیوند جدایی ناپذیر دارد. این واقعیت را کف خیابان با شعار «چه با حجاب، چه بی حجاب، میریم به سمت انقلاب» نشان داد.

در رابطه با حقوق زنان با دو دیدگاه ضد زن روبرو هستیم. یکی

دیدگاه حکومت چه اصولگرا و چه اصلاح طلب است که در دفاع از نظام و قوانین آن به نهادینه شدن تبعیض جنسیتی طی ۴۴ سال کمک کرده اند. دومین دیدگاه طیف طرفداران نظام گذشته، یعنی مدافعان سلطنت پهلوی هستند که بر بستر خشونت و ارتجاع حکومت فعلی، با تحریف تاریخ، خواسته های جنبش زنان را محدود به لغو حجاب اجباری کرده و می خواهند بردگی با نشان تاج را به زنان هدیه دهند. استعمار زنان زحمتکش در کارخانه ها، زنان کرد و بلوچ و عرب، زنان در دروازه غار و حلیی آباد از جمله زنان کشور در زمان محمد رضا شاه محسوب نمی شوند و حقی نداشتند همانطور که امروز هم از نگاه آنان به حساب نمی آیند.

آن چیزی که در کف خیابانهای ایران، در حرکتی اعتراضی معلمان و کارگران، در زندانهای جمهوری اسلامی می گذرد آن چیزی نیست که سلطنت طلبان بتوانند مصادره کنند و برای آن دست به هیاهو بزنند. اعتبار مبارزه صد ساله زنان برای برابری و آزادی بیش از آن است که دیکتاتورها و مستبدان بتوانند آن را مصادره کنند. قدمت جنبش زنان علیه تبعیض و نابرابری و علیه هر نوع ستم بیش از آن و عمیق تر از آن است که شیفتگان رضا شاه بتوانند با تحریف تاریخ و اشاعه دروغ آن را به ابتذال سوق دهند.



به گمان من در این دیدگاه، برابری زن و رفع تبعیض جنسیتی مهم نیست. زن مانند ابزاری برای کسب قدرت و برگرداندن تاج به جای عمامه است. این را از نگاه و رفتار تبعیض آمیز آنها نسبت طیف گسترده زنان کمونیست، زنان مجاهد و زنان زندانی سیاسی مقاوم می توان درک کرد.

موضوع حقوق زنان از دیدگاه شورای ملی مقاومت به مثابه الترناتیو دمکراتیک و پرودام در برابر رژیم ولایت فقیه در برنامه ۱۰ ماده ای خانم مریم رجوی آمده است. تضمین آن دخالت بیشمار زنان مبارز در مقاومت سازمان یافته و نقش مداخله گرانه آنان در عالی ترین شکل یعنی رهبری است.

از دیدگاه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، تشکیلیاتی زنان در مبارزه برای رفع تبعیض جنسیتی امری ضروری است. رفع تبعیض جنسیتی ارتباط مستقیم با ستم طبقاتی داشته و در نتیجه مبارزه زنان برای رهایی تا رسیدن به سوسیالیسم و عدالت اجتماعی در شکل‌های متفاوت بستگی به ساختار هر جامعه همواره جاری خواهد بود. سیاست‌گذارم که به من گوش کردید.

بروکسل ۱۳ اسفند برابر با ۴ مارس

خانم رجوی عزیز، درودها و سلام های صمیمانه و از ته قلب مرا بپذیرید. با درود به زنان ایران که پیش‌تاز انقلابی بی نظیر هستند و درود به شما و دوستان عزیز و به زنان انقلابی هم‌زمنون در اشراف ۳. من می‌خواهم یک جمله به این زنان بگویم. می‌خواهم بگویم که درود به شما که به رغم حجم سنگینی از تبلیغات از طرف رژیم ولایت فقیه و همسویان آن به شما می‌شود، شما همچنان مقاوم در سنگر تان هستید و این که به جایی که به هدفهای شما، به اندیشه‌های شما فکر نکنند، بند می‌کنند به حجاب شما و این حجابو مشکل می‌دوند. می‌خواهم بگویم مشکل خودشونه، نه مشکل حجاب شما برای این انقلاب.

روز جهانی زن رو به همه کسانی که برای برابری، آزادی و رفع تبعیض جنسیتی پیکار می‌کنند، تبریک می‌گویم. به زنان زندانی سیاسی درود می‌فرستم و از مقاومت آنان



ستایش می‌کنم و به آنها می‌گویم؛ شما افتخار مردم ایران هستید زنان.

سلام و درود به رزمندگان کانونهای شورشی به‌ویژه زنان شورشی که علیه همه اشکال ستم بی‌اخته و در صف اول مبارزه علیه استبداد مبارزه می‌کنند. روز جهانی زن را به همه ی پیکارگران برابری و رفع تبعیض جنسیتی و همه شما تبریک می‌گویم. به زنان زندانی سیاسی درود می‌فرستم. به ویژه به زنان در کانونهای شورشی به زنان شورشی که در صف اول مبارزه علیه استبداد هستند.

امسال روز جهانی زن را در شرایط خاصی برگزار می‌کنیم. قلب انقلاب همچنان می‌تپد و آتش قیام بیش از پنج ماه است که همچنان شعله ور است. جرقه خیزشها و قیامهای سال ۱۴۰۱، با قتل حکومتی یک زن، مهسا امینی (ژینا) آغاز شد و اکنون صدای انقلاب مردم ایران و نقش برجسته زنان به گوش جهانیان رسیده است. خیزشهای مردم ایران توانست سیمای درخشان جنبش رهایی بخش مردم ایران را در مقابل چشم همگان قرار دهد، توانست شجاعت، همبستگی و ایستادگی زنان در برابر ارتجاع حاکم را به همه نشان دهد و توانست چهره ضد انسانی و جنایتکارانه استبداد مذهبی حاکم را بیش از هر هنگام افشا کند.

جنبش انقلابی که در بطن جامعه جریان دارد، جنبشی از جنس انقلاب است و خواسته هایی مشخص دارد. مقاومت زنان همواره چالش جدی برای حکومت بوده و هست. طی ۴۴ سال، هیچ قانونی در جهت بهبود موقعیت زنان تغییر به تصویب نرسیده است. بستگی به این که کدام باند حکومتی و کدام آخوند در صندلی قدرت نشسته باشد، حجاب اجباری شل و سفت شده بدون این که ذره ای در اساس اجباری بودن آن تغییری صورت گرفته باشد. از تبعیض های بی شمار در زمینه های اقتصادی سیاسی اجتماعی و فرهنگی می‌گذرم که ورود به آن نیاز به زمان زیادی دارد. گفته اند و می‌گویم که رهایی جامعه مستلزم رهایی زن است و در شرایط کنونی ایران باید تاکید

رویدادهای هنری ماه (اسفند ۱۴۰۱)

گردآوری و تنظیم: فتح الله کیائیه



جنایتکاری است که مستقیم در قتل عام هزاران زندانی سیاسی در تابستان ۱۳۶۷ در زندانهای تهران مشارکت داشته است. مراسم این رونمایی به همت «کمیته دفاع از زندانیان سیاسی ایران در دانمارک - کپنهاک» انجام گرفت.

نهادهای حکومتی، کتابفروشی خوارزمی را هم بلعیدند



خبر بسته شدن کتابفروشی «خوارزمی» بعد از ۳۹ سال فعالیت، شاید در وضعیت فعلی ایران اتفاقی کوچک یا بی‌اهمیت به نظر برسد، اما از زاویه ای دیگر نشانه تداوم روندی چهار دهه ای است که هر نوع میراث یا نماد فرهنگی به جا مانده از دوران قبل از انقلاب ۵۷ را به دلایل مختلف مصادره می‌کند، تغییر ماهیت می‌دهد یا از میان برمی‌دارد.

آنچه بر سر انتشارات «امیرکبیر» و عبدالرحیم جعفری در دهه ۱۳۶۰ رفت، در نیمه اول دهه ۱۳۹۰ برای انتشارات خوارزمی تکرار شد و سازمان تبلیغات اسلامی به دلایلی که ظاهراً به مساله «مالکیت» ربط دارد، خوارزمی را هم در عمل مصادره کرد. اینک در زمستان ۱۴۰۱ حتی کتابفروشی خوارزمی هم قرار است به همان سرنوشت یا حتی بدتر - تعطیلی کامل - دچار شود. خبر پلمب شدن کتابفروشی با سابقه خوارزمی روز ۳ اسفند منتشر شد و مجید طالقانی مدیر این کتابفروشی به خبرگزاری ایرنا توضیح داد اختلاف با «بنیاد کتاب»، وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی، دلیل این اتفاق است. اما آقای طالقانی این ادعا را هم مطرح کرد که کتابفروشی خوارزمی ارتباطی با انتشارات خوارزمی ندارد و در ۳۹ سال گذشته، خودش آن را اداره کرده و «تمام اموال» خود را در این مکان گذاشته است.

اما یک روز بعد، مجدالدین معلمی مدیرعامل «بنیاد کتاب» در مصاحبه با «خبرگزاری ایسنا» این کتابفروشی را تنها بخش از «اموال» انتشارات خوارزمی دانست و تاکید کرد «معلوم نیست چه اتفاقی برای بقیه اموال افتاده است». او گفت انتشارات خوارزمی بعد از مرگ علیرضا حیدری مدیر سابق آن، تا چند سال مدیرعامل نداشت و وقتی سازمان تبلیغات اسلامی برای این انتشارات مدیرعامل جدید تعیین کرد، مجید طالقانی حاضر به همکاری نشد و به همین دلیل، کتابفروشی با حکم دادگاه پلمب شده تا از اموال «صورت برداری» شود.

بقیه در صفحه ۷

خلق در خیابان و جهان مامشات بر سر دوراهی



انقلاب یک ارکستر سمفونیک بزرگ است با میلیونها نوازنده پر شور. سازهای زهی، سازهای بادی و سازهای کوبه ای به همراه حنجره هایی خوش آهنگ از بیم تا به زیر، که موسیقی ای جاودانه را می نوازند: مارش انقلاب و دگرگونی، مارش زندگی. این ارکستر با همه نواهای گونه گونش، سرشار از زندگی است، سرشار با هم بودن و برای هم خواندن. این شکوه زندگیست، شکوه در دگرگونی و شکافتن سقف کهنه گی و عقب ماندگی.

انسان از روزی که برخلاف خواست خدایان دندان به سیب زد، تغییر در جهان را رقم زد و این قافله از دیرباز تاکنون بی وقفه در تکاپوست و اینک این ارکستر بزرگ را دختران، پسران و جوانانی هدایت و رهبری و همنازی می کنند که روزی مادران، پدران، خواهران و برادران شان را (و از همه مهم تر، کرامت انسانی شان) را در این تکاپوی از دست داده و یا اینک در معرض از دست دادن می بینند. تیتراژ اینگونه است: محل: خیابان | زمان: همیشگی | بلیط: مجانی | حضور: آزاد | پادش: گلوله، شکنجه و زندان.

اینکه مردم در خیابانند، واقعی است انکار ناپذیر که با هیچ حيله و ترفندی نمی توان به انکارش برخاست مگر آنکه سیاسی کارانی حرفه ای و در راه دلجویی از مقام عظمای جنایت، همانند مائده هایی آسمانی بر سر سفره ی ولایت ظاهر شوند و بخواهند این کوزه شکسته را با هزار ترفند و حیل، وصله پینه ای اروپایی پسند بچسباند که به قول آن حکایت طنز که می گوید: پس از کودتای ۲۸ مرداد پیرمردی روزنامه فروش که کار همیشگی اش در قبل از کودتا فروش روزنامه بود، پس از کودتا فریاد می کرد: بخرید، بخرید، آخرین اطلاعات از حکومت دکتر مصدق، و سپس داد می زد: دروغه، دروغه!

اینکه امروز ولایت عظمای وقاحت به پای بوسی همتای خودش در عربستان می شناید و آنهم به فرمان رهبر چین و بایدن دمکرات، اجازه واریز میلیونها دلار از پول ملت را به حساب بیت العنکبوت، به دولت عراق می دهد و یا اینکه کودک کودنی در آرزوی سلطنت بر قالیچه پرند شبکه های «من و تو» و «ایران اینترنتشال» و «بی بی سی» و غیره و غیره نشاند می شود، همه حکایت از آن دارد که این قافله ی سرکش قصد ایستادن ندارد و تا ایجاد حکومتی دمکراتیک و لایتیک در ایرانی آباد و سرشار از رنگارنگی ملتها و اقوام و طوایفش، دست از تکاپو برنخواهد داشت.

بله، و در یک کلام می توان گفت: هموطن! قدرت حضور در خیابان و هنر بی بدیلت در براندازی نظم منسوخ را باور کن. هر چه آنها بر تو بتازند، نشانه ی قدرت توست. خودت را دستکم نگیر.

هموطن! زیباترین هنر و برترین هنرها، هنر براندازی نظم کهن و بنای نظم نوینی است که انسانیت را در جایگاه خودش می نشاند و می گوید: حق در مطالبه حقوق خودت نیست، حق در مطالبه ی حقوق همگان است.

ادبیات...

رونمایی از کتاب «فراتر از فاجعه»

روایت گزارشات روزانه از دادگاه حمید نوری (دادیار سابق جمهوری اسلامی) در استکهلم که توسط آقای بهرام رحمانی به رشته تحریر در آمده، منتشر شد. هیچ جنایت جمهوری اسلامی ایران، به ویژه در زندانها، بی پاسخ نخواهد ماند و هرگز مشمول زمان نخواهد شد. سرانجام همه جنایتکاران قدر قدرت در پنجه عدالت گرفتار خواهند شد. سرانجام عاملان و آمران این جنایت زنده یا مرده در پیشگاه تاریخ و افکار عمومی محاکمه خواهند شد. سرنوشت حمید نوری در انتظار یکایک سران و مقامات سیاسی و نظامی و قضایی جمهوری اسلامی است. حمید نوری یکی از

انجمنهای قلم جهان در مبارزه برای آزادی اعضای کانون نویسندگان ایران



انجمن بین‌المللی قلم، انجمن قلم آمریکا، و ۳۵ مرکز دیگر عضو شبکه ادبی و بیان آزاد قلم، با انتشار بیانیه مشترکی ضمن استقبال از آزادی آرش گنجی و رضا خندان مهابادی، نویسندگان ایرانی، خواستار توقف کارزار مستمر

جمهوری اسلامی علیه کانون نویسندگان ایران و آزادی سایر اعضای زندانی این انجمن ادبی شدند.

این بیانیه با تأکید بر اینکه هیچ فردی نباید به دلیل نوشتن، ترجمه کتاب، یا اعتراض به سانسور بازداشت و زندانی شود، می‌گوید که کانون نویسندگان ایران چندین دهه در خط مقدم دفاع از آزادی بیان و مبارزه با سانسور حکومتی قرار داشته و همواره با فشار و سرکوب از طرف جمهوری اسلامی مواجه بوده است. امضا کنندگان بیانیه تأکید می‌کنند: «ما سرکوب اعضای کانون نویسندگان ایران را حمله به کل این انجمن می‌دانیم که با هدف خاموش کردن صدای جامعه مدنی و جامعه ادبی ایران انجام می‌شود.»

سینما

اهدای خرس بلورین به خدانور لجعی



محمد ولی زادگان، سینماگر جوان ایرانی، جایزه خود از جشنواره فیلم برلین را به خدانور لجعی، از معترضان کشته شده در اعتراضات سراسری ایران در سیستان و بلوچستان تقدیم کرد.

او با فیلم کوتاه «من خود، من هم می‌رقصم» در بخش جوانان «نسل ۱۴ سال به بالا» موفق به دریافت جایزه «خرس بلورین» برلیناله شد.

این فیلم به موضوع ممنوعیت رقص زنان در ایران می‌پردازد و اکران آن در جشنواره با استقبال زیادی از سوی تماشاگران و منتقدین هنری همراه بود.

محمد ولی زادگان که به دلیل عدم صدور روادید موفق به سفر به آلمان و شرکت در مراسم اهدای جوایز نشده بود، پیامی را برای این رویداد سینمایی فرستاد که برای حاضران خوانده شد: «برای مادرم خواهرم، دختر نداشته ام، و زنان زیباروی میهنم، به نام زن زندگی آزادی. این روزها هر وقت حرف از رقص و رقصیدن می‌شود، نه یاد کودکی و باها کرم و رقصهای مهمانیهای خانوادگی می‌افتم و نه نوجوانی و هیپهای خیابانی. نه به کلیپهای افسانه ای مایکل جکسون فکر می‌کنم، نه دیگر مارتا گراهام و رقص مدرنش برایم اهمیت دارد، نه مرس کانینگهام، نه حتی پینا بانوش، دوست داشتی عزیزم. این روزها یاد خدانور می‌افتم، او زیباترین رقصنده معاصر جهان است، گویی که رقصیدن او نور خدا بود، تقدیم به خدانور لجعی.»

موفقیت فیلم «در جبهه غرب خبری نیست»

فیلم آلمانی «در جبهه غرب خبری نیست» در مراسم اعطای جوایز سینمایی «بفتا»، آکادمی فیلم بریتانیا، که چندی پیش برگزار شد، در رشته های مهم جوایز زیادی دریافت کرد. به گفته کارشناسان، موفقیت در بفتا می‌تواند اقبال این فیلم در جوایز اسکار را افزایش دهد.

بقیه در صفحه ۸

رویدادهای هنری ماه

بقیه از صفحه ۶

انتشار فصلنامه تئاتر اگزیت



به همت مهرداد خامنه ای و شیرین میرزا نژاد، فصلنامه گروه تئاتر اگزیت از بهار ۱۳۹۵ تا زمستان ۱۴۰۱ (یازده شماره) منتشر شد. برای دانلود و استفاده از این مجموعه خواندنی می‌توانید به گروه تلگرامی تئاتر اگزیت به آدرس: [exittheatregruop@](https://t.me/exitheatre) مراجعه کنید.

اثر گذاری غیر قابل انکار جنبش زن زندگی و آزادی



رضا خندان مهابادی، نویسنده و عضو کانون نویسندگان ایران، که به‌تازگی از زندان آزاد شده است، در یادداشتی تأکید کرد که آزادی او و چند عضو دیگر این کانون «با قدرت جنبش مردم ممکن شد».

آقای خندان مهابادی در این یادداشت نوشت: «در این چند ماه استفاده حکومت از "نیغ و زندان و زنجیر" بر اندوه و آسیبهای مردم افزود اما نتوانست غول را به بطری بازگرداند، پس به ناچار تا حدی گردن به حکم خیزش و خواست مردم گذاشت و اندکی لای در زندانها را باز کرد.»

نمایشگاه کتاب لایبزیک، مرکز اسلامی هامبورگ را راه نداد



نمایشگاه کتاب لایبزیک که پس از نمایشگاه بین‌المللی کتاب هامبورگ دومین نمایشگاه بزرگ کتاب آلمان است، در رشته توییتهای از ندادن اجازه حضور به «مرکز اسلامی

هامبورگ» در این رویداد سالانه فرهنگی خبر داد. برگزار کنندگان این نمایشگاه گفته اند که حوادث ایران را با «ناراحتی زیاد» دنبال می‌کنند و حمایت آشکار خود را از آزادی، حقوق بشر و حقوق زنان ابراز کرده اند.

آنها همچنین گفته اند که اداره حفاظت از قانون اساسی هامبورگ از ارتباط نزدیک مرکز اسلامی هامبورگ با رژیم جمهوری اسلامی ایران خبر داده است و این که این مرکز از اقدامات ناقص حقوق بشری حکومت حمایت می‌کند.

هزار خورشید تابان بر صحنه اپرا



«هزار خورشید تابان» که شانزده سال پیش در قالب رمان منتشر شد و توجه جهانی را جلب کرد، اکنون در قالب اپرا روی صحنه تئاتر شهر سیاتل در آمریکا به نمایش درآمده است. آنچه که قرار بود نمونه ای از «گذشته» تلخ و تاریک زنان باشد، با بازگشت طالبان به قدرت در سال ۲۰۲۱ و اعمال دوباره قوانین سختگیرانه و زن‌ستیزانه، به روایتی از وضعیت حاضر زنان بدل شد؛ دژاویی ظالمانه که تصورش برای بسیاری حتی دشوار بود.

خالد حسینی در این رمان به داستان غم‌انگیز دو زن و دشواریهای آنها در افغانستان پرداخته است که رویدادهای آن در چند دهه منتهی به حاکمیت و سپس سرنگونی دور اول حکومت طالبان و بعد ورود آمریکا و کشورهای غربی به این کشور اتفاق می‌افتد.

رویا سادات، کارگردان، در این باره می‌گوید: «وقتی کارم را روی این اپرا آغاز کردم، هنوز طالبان کشور و مردم را گروگان نگرفته بودند. من فکر می‌کردم تاریخی را روایت می‌کنم که دیگر نیست. در اولین جلسه حضوری کاری ام در سیاتل بودم که متأسفانه این تاریخ سیاه دوباره برای زنان در کشورم تکرار شد؛ برای همه ما.»

جشنواره اکسپوزر؛ و گردهمایی عکاسان نامدار بین‌المللی در شارجه



جشنواره بین‌المللی عکاسی اکسپوزر در شارجه، امارات عربی متحده، برخی از بزرگترین نامهای این عرصه را به خود جذب کرده است. در هفتمین دوره این رویداد، ۷۴ عکاس آثار خود را در ۶۸ نمایشگاه به نمایش گذاشتند و ۵۰ کارگاه برگزار کردند. در این جشنواره، عکاسان مختلفی از گرداگرد جهان، عکسهای خود را در معرض دید تماشاگران علاقمند قرار دادند؛ روایتی دیدنی، زیبا و متفاوت از دریچه نگاه هنرمندان عکاس به اشیا و جهان پیرامون خود؛ دنیایی که می‌تواند هر بیننده ای را به تفکر وادارد.

اسعد عبود، مدیر یک شرکت تولید کننده دوربین در خاورمیانه، که حامی مالی برگزاری این نمایشگاه است می‌گوید: «این رویداد گردهمایی الهام‌بخشی از افراد همفکر است؛ عکاسانی که می‌خواهند مرز دانش و خلاقیت خود را فراتر ببرند. باور دارم که هر کسی می‌تواند به اینجا بیاید و دانش خود را اعتلا بخشد.»

(منابع استفاده شده برای تهیه این مجموعه: رادیو فردا، صدای آمریکا، گروه تلگرامی تاتر آگزیت، جنگ خبر، رادیو فردا، بی بی سی، یورونیوز)

رویدادهای هنری ماه

بقیه از صفحه ۷



«در جبهه غرب خبری نیست» بر اساس کتاب داستانی با همین عنوان به قلم «اریش ماریا رمارک»، نویسنده آلمانی، که در سال ۱۹۲۸ منتشر شد، ساخته شده است. حوادث این داستان که در جبهه های غربی جنگ جهانی اول بین ارتش آلمان و نیروهای متفقین از جمله بریتانیا و فرانسه روی می دهد از نگاه یک سرباز جوان آلمانی است. این فیلم که محصول شرکت «نتفلیکس» است در چهارده رشته نامزد شد و یکی از موفق ترین فیلمهای غیر انگلیسی زبان در تاریخ جوایز بقا است. مراسم بقا همه ساله در ماه فوریه برگزار می شود و در آن افزوده بر محصولات سینمایی بریتانیا، تعدادی فیلم از کشورهای دیگر از جمله به زبانهای غیرانگلیسی به نمایش در می آید.

گوناگون

بیانیه اهل هنر در اعتراض به مسمومیت‌های گسترده مدارس



گروهی از فعالان فرهنگی، هنری و مدنی در یک بیانیه ضمن اشاره به «فاجعه مسمومیت عمدی و زنجیره وار» دختران دانش آموز، ضمن یادآوری ماجرای اسیدپاشیها در اصفهان، رژیم ج.ا را به کوتاهی برای مقابله با عوامل این حملات متهم کردند.

در این بیانیه که بیش از ۳۰۰ سینماگر، فیلمساز، روزنامه‌نگار، فعال مدنی و اهالی فرهنگ و هنر آن را امضا کرده‌اند، گفته شده اقداماتی چون «فاجعه مسمومیت عمدی» هدفی جز ایجاد رعب و وحشت و بالا بردن هزینه برای بدبخت‌ترین حقوق دختران جامعه ندارد.

در بخشی از این بیانیه آمده: «ما و همه مردم ایران هنوز فاجعه اسیدپاشیهای اصفهان در سال ۱۳۹۳ را به یاد داریم. چهره‌ی سوخته‌ی زنان و دخترانی که تنها جرم شان این بود که زن بودند. سکوت امروز شما ادامه‌ی همان سکوتی است که در قبال خواست شناسایی عاملان و آمران آن فاجعه از سوی نهادهای امنیتی و اطلاعاتی برقرار شد.»

نویسندگان می‌افزایند: «امروز پدران، همسران، برادران و پسران ایرانی به خوبی می‌دانند که جامعه‌ی امن، آزاد و شاد در گرو امنیت، آزادی و شادی زنان است. دیگر کسی به افکار طالبانی مجال نمی‌دهد. از اهمال‌کاری دست بردارید و به رسم انسانیت و برای اجرای عدالت به حملات وحشیانه‌ی این کوتاه‌فکران خاتمه دهید.»

چالشهای معلمان (اسفند ۱۴۰۱)

فرنگیس باقره

براساس گزارشات دولتی؛ طی سه ماه گذشته دستکم ۳۵۲ دانش آموز در مدارس شهرستان قم با علایم مسمومیت به بیمارستان منتقل شدند و علت مسمومیت دانش آموزان در مدارس کماکان مشخص نیست.

روز یکشنبه ۷ اسفند، هفت دانش آموز در قم در پی مسمومیت به مراکز درمانی این استان منتقل شدند.

همزمان، عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس در واکنش به مسمومیت دانش آموزان شهرستان های قم و بروجرد، وقوع این رویداد ها را "عمدی" عنوان کرد. گفتنی است، روز سه شنبه ۲۵ بهمن، جمعی از خانواده های دانش آموزان در قم، در اعتراض به مسمومیت های زنجیره ای فرزندان خود در مدارس، مقابل ساختمان فرمانداری این شهر تجمع اعتراضی برگزار کردند.

مسمومیت دانش آموزان در مدارس بروجرد

روز سه شنبه ۲ اسفند، رئیس اورژانس پیش بیمارستانی لرستان، از مسمومیت پانزده تن از دانش آموزان دبیرستان دخترانه احمدیه بروجرد با گاز مونوکسیدکربن خبر داد. رئیس اورژانس پیش بیمارستانی لرستان در این خصوص عنوان کرد: "بر اساس نظر اولیه کارشناسان آتش نشانی، نشت گاز مونوکسیدکربن متصاعد شده از دودکش سالن ورزشی مجاور مدرسه بوده است."

روز چهارشنبه ۳ اسفند، فرماندار بروجرد اعلام کرد: ۸۲ نفر از دانش آموزان دبیرستان دخترانه احمدیه بروجرد به علت استنشاق گاز مونوکسیدکربن دچار مسمومیت شدند. وی با بیان اینکه حال عمومی دانش آموزان بستری شده خوب است، افزود: "بر اساس اعلام اولیه دستگاه های فنی، نقص فنی سیستم گرمایشی مدرسه و همچنین نشت گاز سالن ورزشی مجاور علت مسمومیت دانش آموزان بوده است."

روز یکشنبه ۷ اسفند، معاون سیاسی امنیتی استانداری لرستان از مسمومیت ۱۰۷ دانش آموز در بروجرد خبر داد.

روز دوشنبه ۸ اسفند، رئیس اورژانس استان لرستان از مسمومیت تعداد دیگری از دانش آموزان مدرسه پسرانه خیام در بروجرد خبر داد. سرپال مسمومیت دانش آموزان مدارس کشور علی الخصوص در قم و بروجرد از هفته های اخیر آغاز و تا به امروز ادامه داشته است.

رئیس اورژانس استان لرستان با اعلام این خبر اظهار داشت: "هنوز جمع بندی کاملی از تعداد مسمومان نداشته ایم و بعد از تشکیل پرونده برای افراد مسموم، تعداد دانش آموزان را اعلام خواهیم کرد."

مسمومیت دانش آموزان در مدارس بیش از ده شهر ایران

عبدالعلی رحیمی مظفری، نماینده مجلس از مسمومیت دانش آموزان در مدارس ده تا پانزده شهر در ایران خبر داد. سرپال مسمومیت دانش آموزان مدارس کشور از هفته های اخیر آغاز و کماکان ادامه دارد.

به گفته وی "کمیسیون امور داخلی کشور و شوراها در مجلس و کمیسیون بهداشت و درمان" باید به این موضوع ورود کنند.

محمد تقی فاضل میبدی، استاد دانشگاه و حوزه "جریانه های مذهبی" را مسئول مسمومیت های سریالی دانش آموزان در مدارس عنوان کرد و دادستان کل کشور هم گفته بود که احتمالاً این اتفاقات "عمدی" است.

مسمومیت دانش آموزان هشت مدرسه دخترانه در اردبیل

به دنبال مسمومیت سریالی دانش آموزان در مدارس کشور، روز چهارشنبه ۱۰ اسفند، رئیس دانشگاه علوم پزشکی اردبیل از مسمومیت ۳۴۳ دانش آموز در هشت مدرسه دخترانه این استان خبر داد.

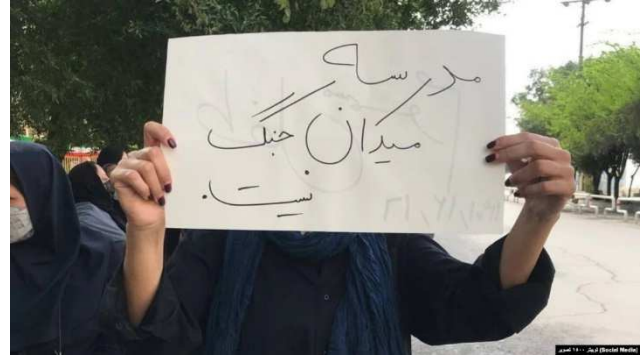
رئیس دانشگاه علوم پزشکی اردبیل گفت: "در عرض دو ساعت ۱۰۸ دانش آموز به مراکز درمانی مراجعه کردند و ۵۰ درصد دانش آموزان نیز در بیمارستان امام تحت معالجه قرار گرفته اند و دانش آموزان یک مدرسه هم در حال انتقال به بیمارستان هستند."

در ادامه تکرار مسمومیت دانش آموزان در مدارس، روز پنجشنبه ۱۱ اسفند، ۴۸ دانش آموز در اصلاندوز واقع در اردبیل در پی مسمومیت به بیمارستان منتقل شدند.

گسترش مسمومیت دانش آموزان در مدارس کشور

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان ایران، روز پنجشنبه ۱۱ اسفند در بیانیه ای اعلام کرد که در اعتراض به «مسمومیت سریالی دختران دانش آموز و ناامنی در مدارس»، «سقوط ارزش، یول ملی»، «صدور احکام هیئتهای تخلفات اداری علیه معلمان و فعالان صنفی»، «فروش فضاهای آموزشی، تفریحی، خدماتی و ورزشی بقیه در صفحه ۱۰

حمله شیمیایی به مدارس، انتقام از دختران دانش آموز



چند ماه است که پدیده مسمومیت دانش آموزان، به طور عمده دختران دانش آموزان، افکار عمومی و جامعه را به شدت خشمگین کرده است. برای همگان روشن است که چنین حرکت سازمان یافته و سراسری تنها از عهده سپاه پاسداران و بسیج بر می آید. حکومت تاکنون هیچ گزارش تحقیقی در این باره منتشر نکرده است. معاون امنیتی وزارت کشور، از خبر بازداشت شماری از عوامل مسمومیت زنجیره ای را داده است. از ابتدای آذر روز چهارشنبه ۱۷ اسفند دستکم ۲۹۷ مدرسه و مؤسسه آموزشی در ۲۹ استان مسمومیت دانش آموزان خود را گزارش کرده اند که دانش آموزان دختر با نرخ قابل توجهی بالاتر از دانش آموزان پسر دچار مسمومیت شدند. تاکنون چهل و پنج تجمع اعتراضی در سی و دو شهر در واکنش به این حوادث صورت گرفته است و یازده شهروند معترض توسط نیروهای امنیتی بازداشت شدند.

پیرامون این اقدام جنایت کارانه رژیم به درستی گفته شده که رژیم برای ایجاد ترس دست به چنین اقدامی زده است. باید اضافه کرد که رژیم و ولی فقیه آن با این جنایت از دختران دانش آموز که نقش مهمی در انقلاب جاری داشته اند، انتقام گرفته است. براساس آمار منتشر شده از ۱۷۷۶ مدرسه که دانش آموزان آن به خیزشهای مردمی پیوستند، ۱۱۸۶ مدرسه، دخترانه بوده است.

کودک بازمانده از تحصیل

بر اساس گزارش مرکز پژوهشهای مجلس در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱ بیش از ۹۱۱ هزار دانش آموز در ایران از تحصیل بازمانده اند. استان سیستان و بلوچستان در دو شاخص «بازماندگی از تحصیل» و «ترک تحصیل» بدترین وضع را داشته است.

مدیرکل آموزش و پرورش استان یزد از شناسایی هزار و ۸۶۸ کودک بازمانده از تحصیل در این استان خبر داد. این کارگزار حکومت در این خصوص عنوان داشت: «هزار و ۸۶۸ نفر شناسایی شدند که ۸۷۳ نفر آنها به سمت کلاسهای درس هدایت شدند». وی افزود: «درخواست می کنیم که همه دستگاهها در این زمینه همکاری کنند و مردم نیز دانش آموزان بازمانده از تحصیل در سنین ۶ تا ۱۷ سال که مدرسه نمی روند را به آموزش و پرورش معرفی کنند».

مسمومیت صدها دانش آموزان در قم



روز دوشنبه یکم اسفند، ۲۵ دانش آموز از مدارس قم در پی مسمومیت به بیمارستان منتقل شدند. این چندمین بار است که در هفته های اخیر دانش آموزان شهرستان قم دچار مسمومیت می شوند.

چالشهای معلمان

بقیه از صفحه ۹

با آغاز شعارها، تعداد نیروها به شدت افزایش یافت و با اسپری فلفل اقدام به متفرق کردن معترضان کردند.

پلیس اقدام به بازداشت چند زن و یک مرد نمود که با مقاومت معترضان رو به رو شد که مانع بازداشت آنها شدند. مأموران امنیتی و پلیس، هر معترضی که اقدام به فیلمبرداری داشت را متوقف و گوشی وی را ضبط می کردند و در مقابل نیز، معترضان گوشیهای مأمورانی را که مشغول فیلمبرداری از مردم کرده بودند را از دست آنان خارج کرده و به اطراف، پرتاب کردند.

تجمع خانواده دانش آموزان زنجان

روز دوشنبه ۱۵ اسفند، جمعی از خانواده دانش آموزان زنجان برای انعکاس هرچه بیشتر صدای اعتراض شان نسبت به مسمومیتهای زنجیره ای دست به تجمع مقابل اداره کل آموزش و پرورش استان زنند و خواهان شناسایی آمران عاملان این اقدام جنایتکارانه و برخورد قاطع با آنها شدند.

تجمع معلمان خرید خدمتی اصفهان

روز دوشنبه ۱۵ اسفند، معلمان خرید خدمت اصفهان مقابل ساختمان آموزش و پرورش این کلانشهر خبرداد.

تجمع معلمان و خانواده های دانش آموزان در تهران و دهها شهر دیگر



روز سه شنبه ۱۶ اسفند، در پاسخ به فراخوان پیشین، معلمان و خانواده های دانش آموزان، باوجود حرکتهای سرکوبگرانه در اعتراض به مسموم کردن دانش آموزان دختر، در تهران و دهها شهر دیگر تجمعات اعتراضی برپا کردند. در تهران، نیروهای سرکوبگر با حضور گسترده در خیابان جمهوری و منطقه اطراف مجلس، مانع تجمع معلمان مقابل مجلس شدند، اما معلمان همراه با مردم به ویژه زنان، شجاع در خیابان جمهوری با شعار «مرگ بر حکومت بچه کش» تظاهرات کردند. خانواده ها و معلمان مقابل اداره آموزش و پرورش ناحیه ۵ تهران شعار «بسجی سپاهی، داعش ما شمایید» و «مرگ بر حکومت بچه کش» سر دادند.

در سایر شهرها از جمله آبدانان، اردبیل، الیگودرز، اصفهان، اهواز، کرخ، قزوین، رشت، بابل، بجنورد، بهمنی، بندرعباس، بوشهر، تاکستان، جلفا، دالاهو، رشت، زنجان، ساری، سمنجان، سفز، سجاسرود زنجان، سمیرم، شیراز، شیروان، کاشمر، کازرون، کرمانشاه، لاهیجان، مشهد، نیشابور، مریوان، نیشابور، نورآباد ممسنی، هرسین، همدان، یاسوج و... تجمعاتی اعتراضی مقابل ادارات آموزش و پرورش برگزار شد.



دانشجویان دانشگاه علامه تهران در اعتراض به مسموم سازی دانش آموزان با شعار «آزادی آزادی آزادی» تجمع اعتراضی برپا کردند. نیروهای سرکوبگر دانشگاه را محاصره کردند و مأموران حراست به دانشجویان حمله کرده و تعدادی را دستگیر نمودند.

بقیه در صفحه ۱۱

متعلق به آموزش و پرورش، در قالب طرح مولدسازی، «رفع ممنوعیت تحصیل جهت دانش آموزانی که در ماههای گذشته بازداشت شده اند»، «محکومیت برخوردهای تحقیرآمیز و بازداشت همکاران بازنشسته در تجمع روز ۹ اسفند و درخواست آزادی فوری همه پیشکسوتان» و «آزادی همه معلمان زندانی».

روز یکشنبه ۱۴ نیز حمله به مدارس دست کم در ۱۰ استان و ۳۰ شهر از جمله تهران، خلخال، رامهرمز، نیشابور، شیراز، گنبدکاووس، مشهد، یزد، آبدان، ایلام، تبریز، کرخ، فولاد شهر اصفهان، اصفهان، زنجان، انهر، کنگاور، بندر خورموس، بندرعباس، گرمدره، اهواز، همدان، یاسوج، ایوانغرب جریان داشت.

کانون معلمان ایران حمله «بیو تروستی» به دختران دانش آموز را محکوم کرده و آن را «اقدامی سازمانیافته» از طریق ایجاد «هراس اجتماعی» میان دختران دانش آموز و اولیای آنها برای بازپس گیری دستاوردهایی دانست که جنبش «زن، زندگی، آزادی» تاکنون توانسته در ایران محقق کند.

روز شنبه ۲۰ اسفند، سیزده دانش آموز در شهرستان کهگیلویه، شانزده دانش آموز در آبدان و شماری از دانش آموزان در باغملک دچار مسمومیت شدند.

حرکتهای اعتراضی معلمان، دانش آموزان و خانواده ها

تجمع خانوادگی دانش آموزان کنکوری کشور

روز سه شنبه ۲ اسفند، جمعی از دانش آموزان کنکوری کشور (استانهای تهران، فارس، قم، کهگیلویه و بویر احمد و...) برای اعتراض نسبت به نتایج آزمون ۱۴۰۱ دست به تجمع خانوادگی مقابل سازمان سنجش و مجلس در تهران زدند.

مادر یکی از این دانش آموزان گفت: کنکور ۱۴۰۱ در تیر ماه و با رعایت همه شرایط امنیتی برگزار شد از جمله دانش آموزان بازرسی بدن شدند، دستگاههای نقطه زن و سیگنال یاب آوردند و... سه دفترچه و سه پاسخن امه توزیع شد که داوطلب حتی وقت مرور و بازگشت به پاسخهای قبلی اش را هم نداشت. سر جلسه کنکور، ۸۵۰ نفر که دستگاه داشتند به عنوان متقلب شناسایی و به مراجع قضایی معرفی شدند. اما در زمان اعلام رتبه ها، برای برخی هیچ رتبه ای اعلام نشد و برای برخی دیگر که انتخاب رشته هم کرده بودند، دو روز قبل از اعلام نتایج، پیامکی ارسال شد که شما باید در آزمون مجدد شرکت کنید.

یکی از دختران دانش آموزان حاضر در این تجمع نیز گفت: در آزمون مجددی که ۲۱ مهر برگزار شد، همه باید در مرکز استان کنکور می دادند. من خودم در دانشکده روان شناسی، شیراز کنکور دادم اما قبل از ورود به جلسه، تفتیش بدن، بسیار شدیدی شدید و برخی را هم برهنه کردند.

تجمع فرهنگیان فارس در شیراز

روز چهارشنبه ۳ اسفند معلمان استان فارس به دعوت انجمن صنفی معلمان فارس پس از وقفه چند ماهه، اولین تجمع اعتراضی خود را در محل اداره کل آموزش و پرورش استان فارس در شیراز برگزار کردند. در پی این تجمع، درب اداره کل آموزش و پرورش فارس توسط صاحبخانه های جدید بسته شد و معلمان اجازه ورود به خانه خود را پیدا نکردند.

تجمع خانواده دانش آموزان یک مدرسه دخترانه نارمک تهران و

مدرسه بهاران اردبیل

روز چهارشنبه ۱۰ اسفند، جمعی از خانواده های دانش آموزان یک مدرسه دخترانه نارمک تهران برای اعتراض به مسمومیتهای زنجیره ای دانش آموزان دست به تجمع زدند.

همزمان، جمعی از خانواده های دانش آموزان مدرسه بهاران اردبیل برای اعتراض به مسمومیتهای زنجیره ای دانش آموزان دست به تجمع زدند.

تجمع زنان گیلان مقابل اداره آموزش و پرورش رشت

در پی صدور فراخوان تجمع زنان گیلان، روز یکشنبه ۱۴ اسفند، عده ای از مادران و فعالان حقوق زنان، به مدت ۱ ساعت (از ۱۱ تا ۱۲ ظهر) مقابل درب اداره آموزش و پرورش جمع شدند. چندین ون پلیس همراه با مأموران مرد و زن در مکان تجمع حضور داشتند.

معترضان، خواستار حضور و پاسخگویی رئیس اداره درباره مسمومیت دانش آموزان بودند اما هیچ مسئولی در محل حاضر نشد.

معترضان شعارهایی در راستای حفظ امنیت دانش آموزان سر دادند و سرود «یار دبستانی» را همخوانی کردند.

چالشهای معلمان

بقیه از صفحه ۱۰

با تاسف بسیار
رفیق هدایت سلطانزاده در گذشت

با دروغ واندوه بسیار، روز چهارشنبه ۲۴ بهمن رفیق هدایت سلطانزاده ما را ترک کرد. رفیق هدایت از مبارزان پرسابقه در راه آزادی و سوسیالیسم و از زندانیان سیاسی در دوران دیکتاتوری شاه بود. زنده یاد هدایت سلطانزاده در جهت آرمانهایش تا جایی که در توان داشت، حتی در دوران سخت بیماری، تلاش کرد.

فقدان رفیق هدایت را به خانواده و بستگان او و به همه آزادیخواهان ایران تسلیت می گویم.

مهدی سامع/ پنجشنبه ۲۵ اسفند ۱۴۰۱ - ۱۶ مارس ۲۰۲۳

بیانیه پایانی تجمع اعتراضی فرهنگیان

نیروهای سرکوبگر به ویژه لباس شخصیهای در بسیاری از شهرها مانند مشهد، اصفهان، رشت، شیراز و مریوان به سمت معلمان گاز اشک آور پرتاب نمودند و شماری از آنان را دستگیر کردند. معلمان، با شعار «بی شرف بی شرف» به مقابله برخاستند.



دانش آموزان عزیز، فرهنگیان گرامی و مردم شریف ایران شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران، سالهاست که نسبت به ناکارآمدی حاکمیت در زمینه آموزش و پرورش هشدار می دهد اما علیرغم این هشدارها، هیچ نشانه ای از تغییر مشاهده نمی شود.

آنچه امروز در ایران با عنوان مسمومیت دانش آموزان، شاهد آن هستیم بخش دیگری از این ناکارآمدی و این بار در حوزه امنیتی و مراقبتهای اجتماعی است، و این در حالیست که سالهاست ساختار سیاسی حاکم، به بهانه وجود امنیت بر سایر معضلات موجود سرپوش گذاشته است.

گسترده شدن مدارس مورد تهاجم و تعداد زیاد دانش آموزان آسیب دیده، نشان می دهد که پروژه اقدامات خودسرانه از سوی وابستگان ایدئولوژیک حاکمیت، به شدت مورد تردید است. به ویژه آنکه تاکنون هیچ اقدام موثری در جهت جلوگیری از تهاجم به محیط مدارس و خوابگاههای دانشجویی صورت نگرفته است. اگر فرهنگیان و اقشار مختلف اجتماعی مقابل این تهاجم سیستماتیک به ساحت آموزش مقاومت نکنند، یقیناً شاهد اعمال به مراتب خشنوتری در سطح جامعه خواهیم بود.

شورای هماهنگی به منظور پیشگیری از رفتار خشنوت بار مسموم سازی دانش آموزان از حاکمیت می خواهد به هیاتی از فعالان مدنی، صنفی و سیاسی مستقل به همراه جمعی از پزشکان و اساتید متخصص و وکلای حقوق بشری اجازه بررسی همه جانبه موضوع مسمومیت سازی مدارس بدهند تا حقایق و واقعیتها به صورت شفاف بررسی و نتیجه آن به اطلاع مردم ایران رسانده شود.

در ادامه، خواسته های تشکلهای صنفی فرهنگیان و جمع حاضر به این شرح اعلام می شود:

۱- معترضان، حاکمیت به ویژه دستگاههای امنیتی و قضایی را مسئول حفظ جان شهروندان، دانش آموزان و معلمان می دانیم و سریعاً خواهان کنترل اوضاع و پایان دادن به سرکوب بیولوژیک و تهدید جان شهروندان به ویژه دانش آموزان هستیم.

۲- معلمان، ایستادن در کنار مردم را بزرگترین افتخار خود می دانند و از دستگاههای پروپاگاندا به ویژه صدا و سیما می خواهند که دست از تفرقه افکنی میان معلمان و سایر اقشار جامعه بردارند.

۳- ما از حاکمیت می خواهیم که مطالبات فرهنگیان را به مطالبات معیشتی صرف و ویژه معلمان تقلیل ندهند، زیرا خواسته ما اجرای قوانینی است که متضمن اصل آزادی انسان است.

۴- شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران در رابطه با رویه ناصواب و خارج از هنجار مولدسازی و در قالب آن فروش مدارس و اموال عمومی آموزش و پرورش به حاکمیت اکیدا و صریحاً هشدار می دهد.

حاکمیت باید بداند که حق ندارد اموال عمومی متعلق به مردم را به حراج بگذارد.

۵- ما از مسئولان می خواهیم که بیش از این معلمان را ملعبه طرح نامیون رتبه بندی نکنند و از رفتارهای غیرقانونی و حتی غیراخلاقی در اجرای رتبه بندی دست بردارند.

۶- ما تاکید می کنیم که حاکمیت نباید هیاتهای رسیدگی به تخلفات اداری را به مثابه دستگاه سرکوب علیه کارکنان و کارگران به کار بگیرد.

۷- برنامه درسی باید متناسب با دانش روز، کودکان را برای زندگی آماده کند. لذا هرگونه سواستفاده از کودکان برای تحقق اهداف جناحی، سیاسی و ایدئولوژیک را به شدت محکوم می کنیم.

۸- ما از حاکمیت می خواهیم که به حبس دانش آموزان در کانونهای اصلاح و تربیت پایان دهد و معلمان و دانش آموزان زندانی را آزاد کند و دانش آموزان و دانشجویان ستاره دار، زندانی و معلمان اخراج شده، تبعید شده، منفصل از خدمت و زندانی را به کلاس درس برگرداند.

در پایان تاکید می کنیم تا زمانی که خواسته های حداقلی ما محقق نشود اعتراضات ما با قدرت بیش تر و متحدثتر از همیشه ادامه خواهد داشت.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران

سه شنبه ۱۶ اسفند ۱۴۰۱ - ۷ مارس ۲۰۲۳

تجمع در اعتراض به مسمومیت دانش آموزان در تهران

روز شنبه ۱۳ اسفند، دانش آموزان مدرسه پسرانه ابن سینا و هنرستان فنی علاقه مندان در تهرانسر در حمایت از دختران دانش آموزی که مورد حمله شیمیایی و مسمومیت قرار گرفته اند، اعتصاب کردند.

همزمان دانش آموزان مدارس پسرانه در سنندج به دلیل تشدید مسمومیت دانش آموزان دست به تجمع خیابانی زدند. آنها شعار می دادند: «اسید پاشی مسمومیت، هر دو یک جنایت/ مرگ بر حکومت بچه کش/ دشمن ما همین جاست دروغ میگن آمریکاست/ سپاهی، بسیجی، داعش ما شما میاید/ بی شرف بی شرف».

اعتصاب دانش آموزان دبیرستانی سرچنگل زاهدان

روز دوشنبه ۲۲ اسفند، دانش آموزان دبیرستانی سرچنگل شهرستان زاهدان، در اعتراض به مسمومیتهای زنجیره ای از رفتن به مدرسه ممانعت کرده و اعتصاب نمودند.

تجمع معلمان در مریوان

روز پنجشنبه ۲۵ اسفند، جمعی از معلمان در مریوان در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالبات شان مقابل اداره آموزش و پرورش این شهر تجمع اعتراضی برگزار کردند. این تجمع به دلیل عدم پاسخگویی مدیران آموزش و پرورش به اعتراضات معلمان و مطالبه گری انجمن صنفی معلمان سروآباد و مریوان برگزار شد.

(منابع استفاده شده برای تهیه این مجموعه: هرانا، رادیو زمانه، شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران، دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران، ایلنا، بیدارزنی، فارس، ایرنا، تسنیم)

پرونده های بی سرانجام!

مرجان

پارو بزن رفیق همراه، پارو!

سروده زنده یاد رحمان کریمی

پارو بزن رفیق همراه، پارو!
امواج نا موافق را مهار باید کرد
سهمگین تر از توفان، تویی
تویی اکرت توان ماندن هست

پارو بزن رفیق همراه، پارو!
دریا آسبی ست زیر پای ما، دریا
مهمیز بزن براین دیوانه، رامش کن
او از فراز بزیر می آید
ما از زیر در فراز.
آتش بکش به جان موج، خود موج شو.

پارو بزن رفیق همراه، پارو!
پهل* که خدایان ندانند که ما کیستیم
ناخدایانیم و مثل خدا می رویم.
پنبه زاران بالا، آتش گرفته اند
این دودی که آسمان را گرفته است
از کرانه های رنج است، ای رنج رنج!

پارو بزن رفیق همراه، پارو!
بی چراغ دریایی در راه
چراغ از دل برگیر و توان از ایمان
بتاز بر کف آلوده امواج دیوانه
با دو بال دریایی، به پیش رو!
موج بر موج دیوارند و تو پرده یی
تا پشت سقف آسمان.
دیوارها فرومی ریزند و پرندگان فرود می آیند
تا آشیانه کنند جهان را جوجکان پاییزی.

پارو بزن رفیق همراه، پارو!
ما از جهان گذشته ایم و سبکال می رویم
چونان عقاب آتشبال برامواج عظیم توفانها.
از کوهساران موج آسیمه سر، صدای هلهله می آید
صدای خلیج فارس، خلیج آتش
صدای مادر، صدای خواهر، صدای برادر، صدای پدر
صدای پرخروش دانشگاه، صدای زندانیان اوین و گوهردشت.

پارو بزن رفیق همراه، پارو!
صدای ایران می آید از سینه دماوند، از قامت البرز
صدای زوزه های مرگ می آید از بیت الفساد قاتلان.
دریا اگر که مست کرده است
ما با باده عشق، سرمست تریم
دریا اگر که دیوانه ست
ما هم یوسفیم و هم فرهاد و هم وامق**
ما مجنون بیابان و کوه و دریاییم.

پارو بزن رفیق همراه، پارو!
این لجه های شرور کف، بلغم مزاج قدرت اند
با آن سر شوریده و سودایی
پارو بزن رفیق همراه، ای عاشق موافق
پارو بزن!
پارو بزن!
پارو بزن!

منبع: کتاب «در جستجوی قلب جان»

*لعنت کردن

**شیفته



از آنجایی که قرار نیست مردم ایران بدون دغدغه و در آرامش زندگی کنند و علاوه بر تحمل انواع کاستیها و سستیها در امر تدبیر حکومت، باید به خود تلقین نموده که ما با مردم دنیا خیلی تفاوت داریم و قرار نیست شباهتی به کشورهای پیشرفته داشته باشیم!! لذا مسئولان هر از چند گاهی، زحمت مهندسی کردن یک "پلن" جدید برای لرزاندن تن و آزرده کردن روان مردم اسیر و گرفتار تا حد پشیمان شدن از زندگی، را به خود می دهند. تا مبادا یادشان برود در کجا زندگی می کنند و خدای ناکرده وضعیت خود را حتی با عراق جنگ زده که ارزش پولش چهار پنج برابر پول "پهن نشان" ماست، مقایسه نکنند حالا دویی و سنگاپور و ترکیه و... که تصورش هم ممنوع است!!

هر چه دست و پا زدن مردم و له شدن شان زیر آوار مصائب بیشتر می شود "پلن" ها نو به نو به سراغ شان می آید.

چقدر ذهن افرادی باید خالق اندیشه های پلید باشد که برای انحراف افکار عمومی از غارت و چپاول، نقشه حمله به دختران را طراحی کنند، آن هم در محیط علم آموزی و پرورش فکری و بدنی. مدرسه ها و دبیرستانها را خاکریز دشمن فرض کردن و از سلاح شیمیایی که در جنگهای متعارف ممنوع و جنایت علیه بشریت است، استفاده کردن.

چند ماه در حملاتی سریالی، حتی به طور روزانه دهها مدرسه مورد هجوم آتش به اختیارها قرار گرفتن و دختران معصوم را طعمه گازهای شیمیایی قرار دادن و روانه بیمارستان کردن و با کی بود کی بود من نبودم، جواب مطالبه به حق جامعه را دادن، جز از این جاهلان قاتل بر نمی آید؟

مردم کوچه و خیابان به فریاد در آیند که ای قدرت برتر منطقه!! که "ریگی" را در هواپیما روی آسمان دستگیر می کنی، چطور عاملان حمله شیمیایی به دختران ما را شناسایی نکرده ای؟ اگر دستتان در این جنایت آلوده نیست چرا هر روز توجیهی به خورد خلق الله دادید،

اول ماجرا که کلا سیاست انکار پیش گرفتید، بعد از مدتها و بر اثر فشار افکار عمومی و برآمدن فریاد و ضجه جگرسوز پدران و مادران، تازه لطف نموده و عمدی بودن این جنایات سریالی را تایید کردید.

بعد چه شد؟ آیا برای حفظ جان فرزندان مردم نیروهای امنیتی تان را گسیل داشتید که دختران درس آموز، با مراقبتهای شدید شما، بتوانند با خیالی راحت و احساس امنیت به فراگیری دانش بپردازند؟ یا خیلی اتفاقی!! کاری کردید که دوربینهای مدارس در لحظه تهاجم شیمیایی از کار بیفتند؟

فاضل میبدی روحانی اصلاح طلب نوک پیکان افشاگری اش را به طرف جریان هزاره گراها و آخرالزمانیها نشانه گرفت، اما به سرعت حرف خود را پس گرفته و خموشی پیشه کرد. ماله کشان مزدورتان کلا شیمیایی شدن را منکر شده و این جنایت آشکار را، یک عکس العمل هیجانی فراگیر دخترانه، عنوان کردند. مدیران خودفروخته مدارس در اجرای این طرح شیطانی با شما همدست شدند و هنگامی که کم کم خانواده ها دوباره برای اعتراضات به کف خیابان برگشتند سرکوب شان کردید. وزیر آموزش و پرورش خیلی راحت سر و ته قضیه را هم آورد و گفت: چیزی نبوده، بوی توالت حال بچه ها را بد کرده!!!

تا اینکه رهبر حکومت خیلی غلاظ و شداد متهمان حملات به مدارس دخترانه را تهدید به اشد مجازات کرد و همانطور که انتظار می رفت نه آتش به اختیاری دستگیر شد نه فرقه ای انحرافی از هم پاشید و به روال همیشگی، قربانیان تبدیل به مجرمان شده و اعتراضهای مضحک تلویزیونی آغاز شد که بله کار، کار دانش آموزان و خانواده های شان بوده و این پرونده هم، چون هزاران پرونده بی سرانجام، منتظر روز آزادی خواهد ماند تا در دادگاه خلق محاکمه ای عادلانه برگزار شود و آمران و عاملان این جنایت پاسخگو شوند.

دانشگاه در ماهی که گذشت (اسفند ۱۴۰۱)

کامران عالمی نژاد

وجهی معاون دانشجویی دانشگاه که به اصطلاح خود را دغدغه مند و دلسوز دانشجویان می داند (که البته ظواهر امر گویای چیز دیگریست) در بین دانشجویان حاضر شده و در بدو امر به جای دادن جواب صریح به دانشجویان آنها را مورد تمسخر قرار داد. در پی پافشاری دانشجویان علیرضا وجهی با صراحت ذکر کرد که مسأله کمبود بودجه علت اصلی این تصمیم است و گویا دانشگاه تهران که دانشگاه مادر ایران محسوب می شود بودجه لازم برای اداره امور دانشگاه را ندارد به دنبال بیان این مطلب که موجب حیرت دانشجویان شده بود عده ای از دانشجویان، مسئولان را به سبب استفاده بی مورد و غیر صحیح از این بودجه که حق دانشجویان بوده و به آنها اختصاص دارد مورد انتقاد قرار دادند که با برخورد غیرمحرمانه وجهی رو به رو شدند. در طی این بحث، وجهی مدام با استفاده از جملاتی چون "فقط سه هفته مجازی هستید" سعی در فریب دانشجویان و خفه کردن این اعتراضات داشت. در این حین یکی از دانشجویان دختر با شهامت بیان کرد که مسئولان از حضور دانشجویان در دانشگاه ترس دارند و بودجه و ماه رمضان بهانه هایی واهی هستند که موجب عصبانیت وجهی شد و به دانشجویی مذکور هجوم برد همچنین او در طی این مجادله مدام از شورایی حرف می زد که این تصمیم را اتخاذ کرده اند اما از بیان اسامی اعضای این شورا خودداری می کرد.

اعتراض دانشجویان خوابگاهی به مجازی شدن آموزش



دانشجویان خوابگاه دخترانه فاطمیه دانشگاه تهران و کوی پسران دانشگاه تهران، همچنین خوابگاه چمران دانشگاه تهران روز دوشنبه شب ۸ اسفند، به مجازی شدن آموزش و بسته بودن خوابگاهها به مدت ۳ هفته پس از تعطیلات نوروزی دست به تجمع و اعتراض زدند.

در این تجمع دانشجویان شعار می دادند:
دانشجو داد بزن، حق تو فریاد بزن
دانشجو بیدار است، از حق خود آگاه است
مقامی بی شرف، بودجه ای ما کجا رفت

آموزش حضوری حق مسلم ماست
دانشگاه بی دانشجو، نمی شه نمی شه
ماه رمضان بهونست، هدفشون تخلیه ست
وجهی مقیمی استعفا استعفا

روز سه شنبه ۹ اسفند، دانشجویان خوابگاه دخترانه فاطمیه دانشگاه تهران و دانشجویان خوابگاه چمران دانشگاه تهران برای دومین روز، به مجازی شدن کلاسهای دانشگاه و تعطیلی خوابگاه پس از تعطیلات نوروزی دست به تجمع زدند.

تجمع دانشجویان دانشگاه هنر اصفهان



روز سه شنبه ۹ اسفند، باوجود تهدیدهای نیروی انتظامی و مسئولان دانشگاه مبنی بر برخورد در صورت ادامه تجمع، متن نامه ای که شب پیش آماده شده بود قرائت گردید و دانشجویان درخواست

امضای نامه تضمین پیگیری مسأله را توسط ریاست دانشگاه را داشتند.

عزل دکتر امرایی از ریاست دانشکده مهندسی برق

روز دوشنبه یکم اسفند، با حکم رئیس دانشگاه، دکتر مهدی احسانیان مفرد به سمت سرپرست دانشکده برق منصوب شد. پیش از این دکتر امرایی ریاست دانشکده مهندسی برق را برعهده داشتند.

با توجه به اینکه شیوه انتخاب ریاست دانشکده به صورت رأی گیری میان اعضای هیات علمی بوده و فرد انتخاب شده از جانب این نهاد به ریاست دانشگاه معرفی می شد. اکنون چنین انتصاباتی بدون رأی گیری صورت می پذیرد که این بدعت حاصل دستورالعملی از دولت جدید است، رویکردی که اندک روزنه های دموکراسی را نیز می بندد و جای خود را به شیوه مطلوب مسئولان می دهد، انتصابهایی که دانشجویان و اساتید از پشت پرده آن اطلاع ندارند.

همچنین گویی دانشگاه ذره ای اعتبار و احترام برای اعضای هیات علمی قائل نشده و بر خلاف روال همیشگی، خارج از نظر آنان عمل کرده است.

اعتراض دانشجویان دانشگاه خواجه نصیر



روز شنبه ۶ اسفند ۱۴۰۱، دانشجویان دانشکده های عمران و نقشه برداری، برق و کامپیوتر، مکانیک، صنایع و مواد، علوم و هوافضا دانشگاه خواجه نصیر به طور هماهنگ در اعتراض به کیفیت پایین غذای سلف با چیدن سینه های غذا در محوطه دانشگاه اقدام کردند.

در ماههای اخیر دانشجویان چند دانشگاه در اعتراض به کیفیت بد غذا اقدام به اعتصابهای مشابه کردند. همچنین چند صد نفر از دانشجویان دانشگاه صنعتی اراک، خوارزمی کرج، صنعتی اصفهان و علامه طباطبایی تهران مسموم شدند.

تعلیق بیش از ۳۰ تن از دانشجویان دانشگاه خلیج فارس بوشهر

روز یکشنبه ۷ اسفند ۱۴۰۱، در پی اعتراض به بی کفایتی رییس دانشگاه و معاونت دانشجویی و فرهنگی بیش از ۳۰ تن از دانشجویان دانشگاه خلیج فارس بوشهر به اتهام توهین به ریاست دانشگاه و حضور فعال در تجمعات و از عاملان تعطیلی کلاسها، حکمهای یک و دو ترم تعلیق از تحصیل دریافت کردند.

دانشجویان دانشگاه خلیج فارس خواستار روشن شدن ابعاد ماجرا، پیگیری هر چه سریع تر ماجرا، رفع حکم تعلیق دانشجویان و پاسخگویی شخص جناب دیندارلو هستند.

تجمع دانشجویان دانشگاه تهران



روز دوشنبه ۸ اسفند، جمعی از دانشجویان دانشگاه تهران در اعتراض به تصمیم خودسرانه و ناگهانی دانشگاه مبنی بر مجازی شدن کلاسها از اول فروردین تا ۷ اردیبهشت ماه دست به تجمع جلوی دانشکده فنی زدند. در پی این تجمع علیرضا

دانشگاه در ماهی که گذشت ...

بقیه از صفحه ۱۳

در نهایت در این تجمع، نامه ای در خصوص مطالبات دانشجویان تنظیم و به امضای ریاست دانشگاه رسید. همچنین جلسه ای فوری با فرماندار و استاندار به تاریخ فردا برگزار خواهد شد که پیگیری بودجه لازم برای تامین خوابگاه و حل این مشکل انجام شود.

از جمله مطالبات دانشجویان:

- پیگیری امنیت خوابگاه و حل مشکل ایاب و ذهاب تا پایان سال.
- تشکیل کمیته‌ای مشترک از دانشجویان و مسئولان دانشگاه برای پیگیری.
- تامین رفاه دانشجویان تا زمان تامین مکان جدید خوابگاه.
- پیگیری تغییر مکان کارگاه‌های درسی از مجتمع آب و برق.
- برگزاری شورای عمومی در اولین فرصت.

تجمع اعتراضی دانشجویان خوابگاه دخترانه دانشگاه هنر اصفهان (خوابگاه صبا)



در پی ورود ماشین اسنپ به خوابگاه و اتمام سفر، راننده اسنپ اقدام به تعرض به یکی از دانشجویان دختر حاضر در محوطه خوابگاه کرده و قصد وارد کردن اجباری وی به ماشین را داشته است. بقیه افراد حاضر در محوطه با شنیدن صدای فریاد این دانشجو به کمک او رفتند و راننده نیز فرار کرد.

بعد از این اتفاق ناگوار روز سه شنبه ۹ اسفند، دانشجویان

تجمع کردند و عطار، رئیس دانشگاه، حیدری فر، رئیس حراست دانشگاه، و شوروشینی در خوابگاه حضور پیدا کرده و سعی در آرام کردن فضای خوابگاه و پراکنده کردن دانشجویان داشتند.

این خوابگاه دانشجویی که خارج از شهر واقع شده است فاقد هرگونه امکانات رفاهی و حمل و نقل مناسب است و مدتها اعتراض و پیگیری دانشجویان نتیجه ای نداشته است.

رونمایی دانشجویان سال آخر پرستاری از برده داری نوین

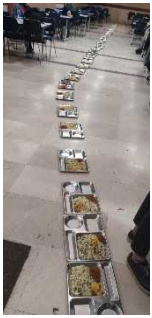
روز سه شنبه ۹ اسفند، دانشجویان سال آخر پرستاری گفتند: دانشجو کار یک پرستار تمام وقت را می کند اما ساعتی ده هزار تومان حقوق می گیرد. آنها افزودند: در روزهای گذشته، برخی کلینیکها آگهی جذب نیرو از میان دانشجویان پرستاری منتشر: ساعت کار از یک ظهر تا هشت شب است، اما برای هر ساعت کار سخت، فقط ده هزار تومان پرداخت می کنند.

آنها ادامه دادند: در بیمارستانها و کلینیکها کاری که به دانشجویان سال آخر پرستاری محول می شود، فعالیت‌های یک پرستار فارغ التحصیل است؛ در واقع دانشجو کار یک پرستار تمام وقت را می کند اما ساعتی ده هزار تومان حقوق می گیرد. آنها اضافه کردند: در واقع با بیست روز کار هشت ساعته، دو میلیون تومان هم حقوق نمی گیریم در حالی که برای سیستم به اندازه‌ی یک پرستار با حقوق کامل، کارایی داریم؛ آیا این استعمار نیست.

اعتراض دانشجویان دانشکده زبان و ادبیات خارجی دانشگاه تهران

دانشجویان دانشکده زبان و ادبیات خارجی دانشگاه تهران در گزارشی اعلام کردند که:

همه ما می دانیم که ارائه‌ی غذای باکیفیت در سلفهای غذاخوری دانشگاه و تضمین سلامت دانشجویان، یکی از مهم ترین وظایف مسئولان دانشکده و به خصوص رئیس آن دانشکده است.



از شروع ترم جدید تا به امروز، اعتراض شفاهی دانشجویان نسبت به کیفیت پایین غذای سلف و پیگیری آنان از طریق مسئولان مربوطه بی پاسخ مانده است. (هفته گذشته در غذای برخی دانشجویان "مو" پیدا شده بود!) در نتیجه روز شنبه ۱۳ اسفند، غذای سلف تحریم شد و در صورت بی پاسخ ماندن اعتراض‌ها از سوی مسئولان، تحریم سلف ادامه خواهد یافت. باشد تا مسئولان بدانند دانشجو به حقوق خود آگاه است و در مقابل نقض حقوقش سکوت نخواهد کرد.

اعتراض دانشجویان دانشگاه بهشتی



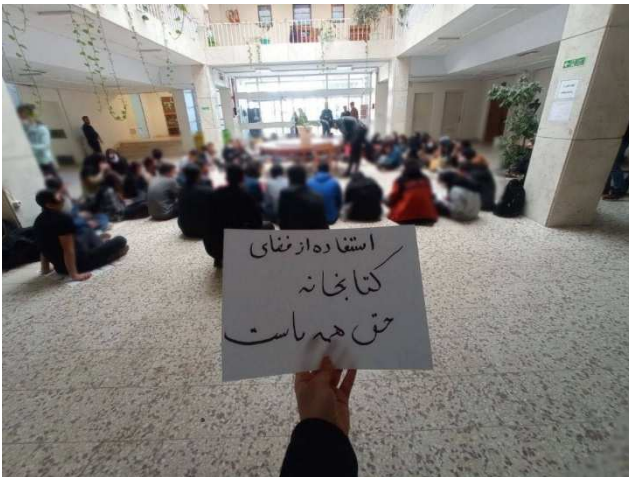
در پی اعتراض دانشجویان دانشگاه بهشتی در روز شنبه ۱۳ اسفند، حراست به سمت دانشجویان هجوم آورد، ظرفهای غذا را جمع کرده و کارت دانشجویی برخی را با زور ضبط کردند.

دانشجویان زیر باران ایستاده و شعار "دانشجو داد بزن حقتو فریاد بزن" سر دادند.

حراست دانشگاه بهشتی این اعتراض صنفی را غیرصنفی دانسته و با جملاتی

مانند "شما از یک جایی خط می گیرین"، "شما رو تحریک کردن" و "مشکل شما غذا نیست" سعی در سرکوب و پرونده سازی برای دانشجویان داشتند.

تجمع دانشجویان دانشگاه بهشتی



روز شنبه ۱۳ اسفند، دانشجویان متوجه بنری شدند که فضای همگانی کتابخانه مرکزی نصب شده بود و خبر از تفکیک جنسیتی کتابخانه می داد و میز و صندلیهای فضای مشترک جمع شده بودند و این فضا به یک نمایشگاه آثار هنری تبدیل شده بود. در تاریخ ۱۴ اسفند، تجمعی برای اعتراض به این تصمیم شکل گرفت. دانشجویان با پلاکاردهایی که روی آنها شعارهایی از جمله "دانشجو، داد بزن، حقتو فریاد بزن"، "ما در مقابل آپارتاید جنسیتی می ایستیم"، "استفاده از فضای کتابخانه حق همه ماست" و "دانشجو تهدید شده، دانشگاه تحریم می شه"، نوشته شده بود، حاضر شدند و ابتدا در حلقه های متحدالمرکز به دور تنها میز باقی مانده کتابخانه بست نشینی کردند و با بیشتر شدن جمعیت، به حلقه ها اضافه می شد و برخی از دانشجویان هم ایستادند. دانشجویان به صورت نمادین، زیراندازی را در وسط فضای همگانی انداختند، که این پیام را در بر داشت: "با برداشتن میز و صندلیها، نمی توانید ما را از استفاده از کتابخانه محروم کنید و اگر لازم باشد با زیرانداز می اییم و روی زمین می نشینیم". بقیه در صفحه ۱۵

دانشگاه در ماهی که گذشت ...

بقیه از صفحه ۱۴

حمایت دانشجویان دانشگاه هنر از علی رضا اجدادی و کمال طالع زاده

دانشگاههای ایران به پایین ترین رتبه جهانی رسیده اند



بی گمان آنچه در این جغرافیای مسموم ما را به ادامه‌ی مسیر دلگرم می‌کند، تکاپوی تن‌های زنده در پاسداشت حقوق طبیعی و مدنی است که همچون نیرویی تپنده در بطن زندگی جاریست. آن کس که با سپر کردن جان خود از زندگی پیشی می‌گیرد، میدان عمل را از رخوت روزانه به کرانه‌های بیداری می‌کشاند تا از یاد نبریم برای زندگی است که این راه را پیموده‌ایم و برای زندگی است که ذلت نپذیرفته‌ایم. از این رو بر ماست که این حلقه‌ی اتصال «خود» به «دیگری» را حفظ کنیم تا عرصه‌ی حضور هر چه گسترده‌تر و تابناک‌تر شود.

در همین راستا شاهدیم که دو تن از هم‌دانشگاهی‌های همدل و همراهان، #کمال_صالح_زاده و #علیرضا_اجدادی در اعتراض به اقدامات سرکوبگرانه‌ی رئیس دانشگاه هنر (آقای محمدرضا حسناپی) که منجر به ایجاد فضای امنیتی در دانشگاه و برپا ساختن بلوای توبیخ و تعلق استادان و دانشجویان معترض شده، دست به اعتصاب غذا زده‌اند و مبارزه‌ای خشونت‌پرهیز را پی گرفته‌اند.

1

بررسی‌های «اعتماد» که روز دوشنبه ۲۲ اسفند منتشر شد، از نتایج ۸ رتبه بندی دانشگاه‌های جهان (QS، RUR، CSIC، ISC، CWUR، شانگهای، تایمز و USNEWS) نشان داد که نه تنها طی دو دهه اخیر، هیچ یک از دانشگاه‌های ایران در ۱۰۰ رتبه اول رتبه بندی جهانی نبوده‌اند، در سال تحصیلی ۲۰۲۲ و ۲۰۲۳، جایگاه دانشگاه‌های ایران به دلیل عقب افتادگی از ارتقای علمی، پایین ترین رتبه‌های جدول رتبه بندیها بوده و در مواردی، رتبه مشخص شده برای برخی دانشگاه‌های ایران به دلیل افت کیفی در حدی تنزل کرده که در گروه بدون رتبه قرار گرفته‌اند. نتایج رتبه بندی دانشگاه‌ها مهم‌ترین ملاک متقاضیان ادامه تحصیل؛ چه در کشور خود و چه در سایر کشورهاست. رتبه بندی دانشگاه‌ها از ساختار نسبتاً ثابتی پیروی می‌کند و کیفیت آموزشی، پژوهش‌های دانشگاهی مورد استناد مراکز علمی و تحقیقاتی، تعداد فارغ التحصیلان شاغل در شرکتها و موسسات معتبر از معمول ترین معیارها در رتبه بندیهای جهانی است. نتیجه رتبه بندیهای جهانی، تصویر واضحی از میزان توجه دولتها به تحقیق و پژوهش، سهم دهی به علم در ساختار کلان یک کشور، میزان اعتبار جامعه دانشگاهی و تحصیلکرده در نگاه دولتها و زمینه سازی برای مشارکت علمی دانشگاهیان در توسعه کشورهاست.

حمله شیمیایی تروریستی به دانشجویان



*اداره کل روابط عمومی و امور بین‌الملل استانداری لرستان از مسمومیت تعدادی از دانشجویان دختر دانشگاه آزاد اسلامی واحد بروجرد خبر داد و اعلام کرد: تعداد معدودی از دانشجویان دختر بروجردی شامگاه سه شنبه ۹ اسفند، در خوابگاه دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی با بروز علائم مشابه دانش آموزان، همانند سرگیجه، از محیط خوابگاه خارج و به اورژانس انتقال داده شدند.

*روز پنجشنبه ۱۱ اسفند، دانشجویان خوابگاه ۱۷ شهرپور کرج، پس از استنشام بوی عجیب مسموم شدند. گفته می‌شود با وجود این که این بو همچنان در فضا احساس می‌شود و همچنین با وجود حضور آتش نشانی و آمبولانس که تأیید این اتفاق است، رئیس دانشگاه به دانشجویان اجازه خروج از خوابگاه را نمی‌دهد.

بقیه در صفحه ۱۶

دانشجویان دانشگاه هنر در بیانیه‌ای از علی رضا اجدادی و کمال طالع زاده حمایت کردند. در بخشی از این بیانیه که روز سه شنبه ۱۶ اسفند انتشار یافته، آمده است: بی گمان آنچه در این جغرافیای مسموم ما را به ادامه مسیر دلگرم می‌کند، تکاپوی تن‌های زنده در پاسداشت حقوق طبیعی و مدنی است که همچون نیرویی تپنده در بطن زندگی جاریست. آن کس که با سپر کردن جان خود از زندگی پیشی می‌گیرد، میدان عمل را از رخوت روزانه به کرانه‌های بیداری می‌کشاند تا از یاد نبریم برای زندگی است که این راه را پیموده‌ایم و برای زندگی است که ذلت نپذیرفته‌ایم. از این رو بر ماست که این حلقه‌ی اتصال «خود» به «دیگری» را حفظ کنیم تا عرصه‌ی حضور هر چه گسترده‌تر و تابناک‌تر شود...

جمع کردن تمامی میزها و صندلیهای سالن کتابخانه مرکزی دانشگاه

بهشتی



دانشگاه در ماهی که گذشت ...

برای سپیده قلیان

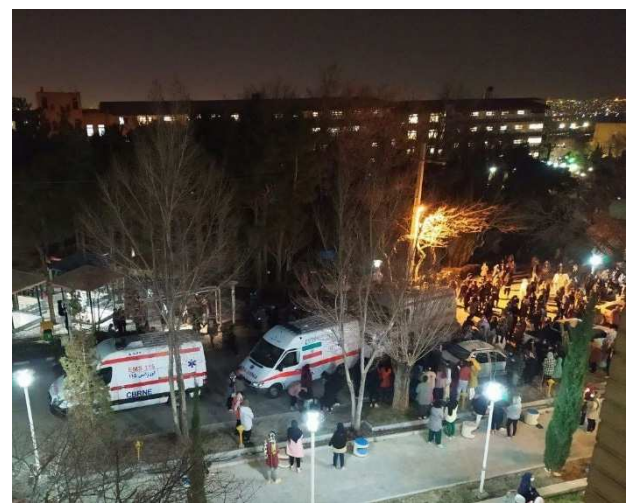
الف. شفیق (امیر)

روی خوش تو باغ و گل و بستان است
نوروز رسید و دل سر پیمان است
در دست من و تو رمز پیروزی ماست!
کاین گونه دلت شاد و لب خندانست
ای عزم تو چون کوه دماوند بلند
همرمز تو زن! کارگر و دهقان است
جان چون بلور هم پاک و زیبا سپید
نام سرخت سپیده قلیان است
نام سرخت سپیده با خشم و خروش
در قلب تمام مردم ایران است

بقیه از صفحه ۱۵

* بنا به گزارشهای منتشر شده، در خوابگاه حضرت فاطمه دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی حوالی ساعت ۸ شب چهارشنبه ۱۴ اسفند ۱۴۰۱، بویی شبیه به بوی سوختگی در تمام فضای خوابگاه حس شد. دانشجویان پس از استشمام این بو، به مسئولان خوابگاه اطلاع داده و از خوابگاه بیرون آمدند. پس از گذشت حدود ۳ ساعت و حضور آتش نشانی و پلیس در محل به دانشجویان گفته شد این بو ممکن است مربوط به سوزاندن چیزی در اطراف خوابگاه باشد و از آنان خواسته شد که به اتاقهای شان بازگردند در حالی که بو در خارج از ساختمان خوابگاه حس نمی شد.

* یامداد روز چهارشنبه ۱۴ اسفند، حوالی ساعت یک، خوابگاه دانشجویی دانشگاه فنی و حرفه‌ای الزهرای مشهد مورد حمله شیمیایی قرار گرفت و تعدادی از دانشجویان توسط آمبولانس به بیمارستان منتقل شدند



* روز دوشنبه ۱۵ اسفند، خوابگاه میلاد دانشگاه علوم پزشکی اصفهان مورد حمله شیمیایی قرار گرفت. در همین روز دانشکده علوم پایه دانشگاه محقق اردبیلی و خوابگاههای دخترانه دانشگاه میبد یزد و شهدای دانشگاه تبریز مورد حمله شیمیایی قرار گرفت، طی این حمله ۷ نفر از دانشجویان و ۲ نفر از کارکنان خوابگاه دچار مسمومیت شده و به بیمارستان منتقل شدند.

* روز سه شنبه ۱۶ اسفند، دانشجویان دانشگاه علامه در اعتراض به حملات شیمیایی اخیر در مدارس و دانشگاههای کشور دست به تجمع زدند. در این تجمع، حراست طی درگیری با دانشجویان معترض، تعدادی از آنها را بازداشت کرد.

* جمعی از دانشجویان دانشگاه امیرکبیر در خصوص مسمومیت‌های سریالی در مدارس بیانیه ای منتشر کردند. در بخشی از این بیانیه که روز سه شنبه ۱۶ اسفند، منتشر شد آمده است:

به نام فرزندان ایران...

نزدیک به چهار ماه است که این حملات گسترده در سراسر ایران امنیت و سلامت کودکان و خانواده های شان را هدف گرفته و کسانی که ادعای حفظ امنیت در کشور را دارند در این مدت کوچک ترین پاسخی به مردم نداده اند. خانواده های نگران در جلوی درب مدارس فرزندان شان کتک می خورند و معلمان که تنها خواهان حفظ امنیت جان دانش آموزان شان در محیط آموزش هستند سرکوب می شوند.

این بار هم حکومت قصد دارد با اعمال سرکوبهای سنگین و بایکوت خبری، فضای خفقان را بر جامعه حکم فرما کند؛ در حالی که جان و سلامت کودکان مساله ای نیست که خانواده ها، معلمان و سایر اقشار مختلف در برابر آن سکوت کنند و بر رنج چهل و چند ساله خود ادامه دهند.

جامعه دغدغه مند دانشجویان پلی تکنیک هم دردی خود با کودکان و خانواده هایی که آسیب دیده از این حملات عامدانه هستند را اعلام می دارد و تا آخرین لحظه پای سرزمین خود ایستاده و با وجود سرکوبهای گسترده و اعمال فشار مضاعف بر دانشجویان، فریاد حق خواهی، آزادی و امنیت را سر خواهد داد.

* دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس در اعتراض به حملات شیمیایی به دانش آموزان بیانیه ای منتشر کردند. در بخشهایی از این که در روز سه شنبه ۱۶ اسفند منتشر شد آمده است:



در میانه خیزش «زن، زندگی، آزادی» دختران دانش آموز روسریهای شان را درآوردند، به خیابانها آمدند، مشتها گره کردند و فریاد «نه روسری نه توستری، آزادی و برابری» را در فضای شهر و خیابان طنین انداز کردند. این صدایی بود برخاسته از مبارزات جنبش زنان ایران از انجمنهای مخفی زنان در عصر مشروطه تا امروز. صدایی بود که از زبان زنان می گفت «تساوی حقوق زن ایرانی را خواستاریم». تعصبات ارتجاعی مردسالارانه و مذهبی همواره سد راه زنان برای دستیابی به آزادی و برابری بوده است...

با بالا گرفتن صدای آزادیخواهی زنان در قیام ژینا مستبدان و مرتجعان احساس خطر کرده اند و خود را ناتوان از خاموش کردن شعله آزادی در قلب زنان دیده اند؛ آتشی که بنیاد استبداد و ارتجاع را می سوزاند و بر باد می دهد. امروز از سر ناتوانی، خبثت را به نهایت رسانده اند و به حملات تروریستی و شیمیایی به مدارس روی آورده اند و در خیال باطل شان می خواهند با حربه هراس دوباره «روسری و توستری» را حاکم کنند و دختران را به کنج اندرونی بفرستند.

همانی که در خیابان به گلوله می بندد و در زندان تجاوز و شکنجه و اعدام می کند پشت این حمله های تروریستی به دانش آموزان است.

ما دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس دانش آموزان را تنها نمی گذاریم و در حمایت از آنان صدای خود را بلند می کنیم و از دیگر دانشجویان و استادان دانشگاهها می خواهیم که در مقابل پیشروی تروریسم حکومتی و اسلامی سکوت نکنند و فریاد آزادیخواهی و ارتجاع ستیزی و استبدادشکنی را دوباره در دانشگاهها حاکم کنند.

(منابع استفاده شده برای تهیه این مجموعه: کانال تلگرام شوراهای صنفی دانشجویان کشور، کانال تلگرام شورای صنفی دانشجویان دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی، همشهری آنلاین، روزنامه اعتماد، خبرگزاری ایسنا)

زنان در مسیر رهایی (اسفند ۱۴۰۱)

اسد طاهری



میادین و پالایشگاهها، در مقایسه ۹۹ درصد مشارکت مردان از ۱ درصد بیشتر نیست.

وی افزود: وزارت نفت باید اقدامات متعددی برای افزایش مشارکت زنان در بخش نفت انجام دهد، از جمله افزایش تعداد زنان پذیرفته شده در مؤسسه نفت این وزارتخانه و همچنین هماهنگی با وزارت آموزش عالی و تحقیقات علمی برای افزایش کلاسهای آموزشی و تحصیلات عالی و تخصصی نفت و گاز برای زنان.

درصد کرسیهای زنان در پارلمانهای اروپا و سرآمد همه کشورها کدام کشور آفریقایی است؟



اداره آمار کمیسیون اتحادیه اروپا در گزارشی که روز شنبه ۶ اسفند به مناسبت هشتم مارس منتشر شده از تصاحب یک سوم کرسیهای پارلمان کشورهای عضو توسط زنان خبر داده است.

زنان در ژوئیه سال گذشته میلادی ۳۲.۷ درصد از کل کرسیهای پارلمانهای ملی در کشورهای عضو اتحادیه اروپا را در اختیار داشتند. این در حالیست که در گزارش اداره آمار کمیسیون اروپا میانگین جهانی تصاحب کرسیهای پارلمان توسط زنان ۲۶.۴ درصد عنوان شده است.

تنها سه کشور در سراسر جهان اکثریت کرسیهای پارلمان خود را به زنان سپرده اند: رواندا با ۶۱.۳ درصد در این میان سرآمد این کشورها محسوب می شود و پس از آن کوبا با ۵۳.۴ درصد و نیکاراگوئه با ۵۱.۷ درصد در جایگاه دوم و سوم قرار گرفته اند.

در کشورهای مکزیک و امارات عربی متحده شمار کرسیهای پارلمان به صورت تساوی ۵۰ درصدی میان زنان و مردان توزیع شده است. از سوی دیگر، زنان در سه کشور «پاپوا گینه نو» و «وانواتو» در اقیانوسیه و یمن واقع در غرب آسیا هیچیک از کرسیهای پارلمان را در اختیار ندارند. درصد تصاحب کرسیهای پارلمان توسط زنان به عنوان یکی از شاخصهای هدف توسعه پایدار مد نظر سازمان ملل متحد است.

یک گروه کامل زنانه مسابقه بسکتبال «ان بی ای» را پخش کرد

شبکه ورزشی «ای اس پی ان» آمریکا به مناسبت هشتم مارس، روز جهانی زن، پخش زنده تلویزیونی یکی از مسابقات لیگ ملی بسکتبال آمریکا «ان بی ای» را به یک گروه کامل زنانه واگذار کرد. مسابقه چهارشنبه هشتم مارس (۱۷ اسفند) میان تیمهای «دالاس ماوریکس» و «نیواورلئان پلیکانز» توسط بقیه در صفحه ۱۸

تشکیل پرونده برای زن معترض به حجاب اجباری در انتخابات نظام مهندسی

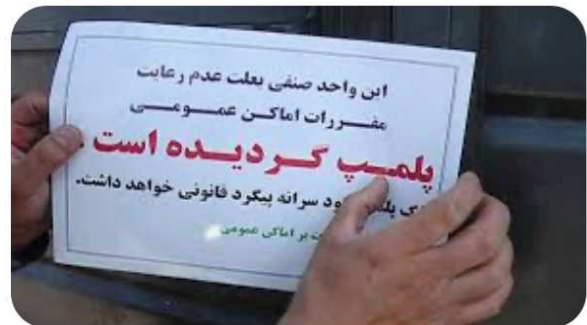


برای مهندس زینب کاظم پور، زن معترزی که به دلیل مخالفت با حجاب اجباری، از انتخابات نظام مهندسی کنار گذاشته شده بود، پرونده سازی قضایی شده است.

بر اساس ویدیویی که روز شنبه ۲۹ بهمن از سالن مجمع نظام مهندسی تهران برای انتخابات هیات رئیسه منتشر شده است، زینب کاظم پور از روی سن با پرتاب شال می گوید: «مجمعی که یک زن مهندس را به خاطر حجابش به جلسه انتخاب هیات رئیسه راه نمی دهند و برخی همکارانم را قبل از جلسه ضرب و شتم کرده اند را به رسمیت نمی شناسم.»

زینب کاظم پور پس از ایراد سخنانش، روسری اش را از روی سن پرتاب و جلسه را ترک کرد.

پلمب یک کافه رستوران در شیراز به علت رواج بی حجابی



روز دوشنبه یکم اسفند، یک کافه رستوران در حوالی خیابان قم آباد شیراز به علت عدم رعایت حجاب اجباری با دستور مقام قضایی پلمب شد. پیش تر نیز مواردی از برخورد و پلمب برخی واحدهای صنفی و کلینیکهای پزشکی به علت عدم رعایت قوانین ارتجاعی گزارش شده است.

معاون سیاسی امنیتی استانداری فارس، از ادامه بازرسیهای محسوس و نامحسوس از سطح ادارات و اصناف خبر داد و بهانه حرکتهای سرکوبگرانه را «حریم اجتماعی و فرهنگی جامعه» دانست و گفت: «تعطیلی یک کسب و کار هرچند کوتاه و موقت مطلوب نیست اما هنگامی که قوانین و شرع مقدس زیر پا گذاشته می شود، حاکمیت جهت صیانت از حریم اجتماعی و فرهنگی جامعه ناگزیر به اعمال قانون می گردد.»

نرخ مشارکت زنان در بخش نفت عراق کمتر از یک درصد است

انزوای زنان در عرصه های زندگی و مدیریت در کشور عراق به دلیل ذهنیت قدرت و مردسالاری رو به افزایش است، به ویژه در پستها و رده های ارشد، میزان مشارکت زنان تنها ۱ درصد است.

زینب موسوی، یکی از اعضای کمیته نفت و گاز پارلمان عراق، روز سه شنبه ۲ اسفند در نشست خبری گفت: نرخ مشارکت زنان در بخش نفت عراق، مانند

زنان در مسیر رهایی

بقیه از صفحه ۱۷



عنوان مثال به افغانستان اشاره کرد که در آن زنان و دختران از حیات عمومی حذف شده اند. در بسیاری از کشورها، حقوق زنان در زمینه تعیین اختیار جنسی خود و تولید مثل روند معکوس پیدا کرده است. دختران در مسیر رفتن به مدرسه در مکانهای متعددی در معرض خطر روبرو شدن و حمله قرار

گرفته اند. افسران پلیسی وجود دارند که خود در کمین زنان قرار می گیرند، در حالی که قاعدتا باید از آنها محافظت کنند. گوترش گفت: «از اوکراین تا ساحل عاج، زنان و دختران بیشترین ضربه را در بحرانها و درگیریها می بینند.» دبیرکل سازمان ملل متحد گفت، علاوه بر این، مرگ و میر مادران رو به افزایش است. پیامدهای کرونا دختران را به تن دادن به ازدواج اجباری کشاند و آنها از تحصیل دور کرد و مادران و سرپرستان را مجبور کرد تا دست از کار بکشند.

نشست دو هفته ای کمیسیون سازمان ملل متحد، کار خود را بر روی راههای غلبه بر برخورد نابرابر در حوزه فناوری و نوآوری متمرکز کرد. گوترش گفت که این موضوع از مسائل حاد کنونی است، به ویژه به این دلیل که دختران و زنان، در حالی که فناوری رو به توسعه فزاینده گذاشته است، به عقب رانده شده و اضافه کرد: «سه میلیارد نفر هنوز به اینترنت متصل نیستند که اکثریت آنها را زنان و دختران کشورهای در حال توسعه تشکیل می دهند و در کشورهای کمتر توسعه یافته تنها ۱۹ درصد زنان آنلاین هستند. در سطح جهان، دختران و زنان تنها یک سوم دانشجویان علوم تجربی، فناوری، مهندسی و ریاضی را تشکیل می دهند. علاوه بر فرصتهای آموزشی و شغلی بیشتر و افزایش حقوق برای زنان، به ویژه در کشورهای در حال توسعه، همچنین به یک محیط دیجیتال امن نیز مورد نیاز است که اطلاعات نادرست زن ستیزانه و «ترول جنسیتی» در رسانه های اجتماعی را از بین ببرد.

روز جهانی زن: برخی آمار در مورد زنان



در یک سال گذشته فشار به فعالان زن افزایش یافت. اما این سرکوبها مانع کنشگری زنان در عرصه های اجتماعی و سیاسی نشد و تشدید سرکوب نتوانست نقش مثبت و پیشرو زنان را به حاشیه ببرد.

در سال ۱۴۰۱، حداقل ۲۰۰۳ زن به شیوه های مختلف از جمله از سوی گشت ارشاد یا احضار به مقامات پلیس به دلیل عدم رعایت حجاب که نقض آشکار حقوق زنان و آزادی بیان محسوب می شود، مورد توبیخ قرار گرفتند.

از قتلهای ناموسی و خشونت خانگی علیه زنان تا تعطیلی اصناف به دلیل عدم رعایت حجاب. حداقل ۱۵ زن و ۷ مرد در یک سال گذشته به دلایل «ناموسی» و عمدتاً به دلیل ایجاد بدنامی توسط اعضای خانواده خود به قتل رسیده اند که نه تنها نقض حقوق زنان بلکه نقض شدید حقوق بشر و حق حیات به شمار می رود.

بقیه در صفحه ۱۹



بیش از ۷۰ زن در بخشهای مختلف تلویزیونی روی آنتن رفت. این زنان به عنوان مجری، گزارشگر، مفسر، کارگردان تهیه کننده، طراح گرافیک، مسئول شبکه های اجتماعی و بخشهای دیگر فعالیت می کنند. این دومین سالی است که این شبکه ورزشی پخش یکی از مسابقات لیگ ملی بسکتبال آمریکا را به یک تیم کامل زنانه واگذار می کند. به گفته مدیران این شبکه، آنها امیدوارند تا با این اقدام به ایجاد موقعیتهای شغلی بیشتر برای زنان در میدانی ورزشی کمک کنند. به گفته سارا گایرو، تهیه کننده تلویزیونی در گذشته فقط تعداد اندکی از زنان در تولید و پخش برنامه های ورزشی مشارکت داشتند ولی به تدریج این شرایط تغییر کرده است و حالا زنان بیشتری در این عرصه فعال هستند. به گفته ای اس پی ان، در دومین مسابقه که میان تیمهای «لس آنجلس کلیپرز» و «تورنتو رپتورز» برگزار شد نیز تعدادی بیشتری از زنان به عنوان مفسر یا کادر فنی حضور خواهند داشت.

زنان ترکیه ممنوعیت تظاهرات در استانبول را نادیده گرفتند



هزاران زن در سرپیچی از ممنوعیت تظاهرات در روز جهانی زن در آنچه «راهپیمایی شبانه فمینیستی» می خوانند در شهر استانبول ترکیه تظاهرات کردند. پلیس مانع رسیدن راهپیمایان به میدان تقسیم در مرکز شهر شد، اما به آنها اجازه داد برای مدتی به تظاهرات ادامه دهند. با این حال پلیس بعد از ساعتی با شلیک گاز اشک آور برای متفرق کردن جمعیت تلاش کرد. چندین نفر در جریان این راهپیمایی توسط پلیس دستگیر شدند. حزب عمده مخالف، حزب جمهوری خلق ترکیه، به مناسبت این روز گزارشی را منتشر کرد که در آن گفت از سال ۲۰۲۱ که رجب طیب اردوغان، رئیس جمهور، این کشور را از کنوانسیون استانبول خارج کرد، بیش از ۶۰۰ زن در ترکیه به دست مردان به قتل رسیده اند. این کنوانسیون همچنین به «کنوانسیون شورای اروپا در زمینه جلوگیری و مقابله با خشونت علیه زنان و خشونت خانوادگی» موسوم است.

گوترش: برابری زن و مرد ۳۰۰ سال دیگر محقق می شود

دبیرکل سازمان ملل متحد از گامهای پس رفت آشکار در مبارزه برای حقوق برابر برای دختران و زنان شکایت کرد. گوترش روز دوشنبه ۶ مارس (۱۵ اسفند) در آغاز نشست کمیسیون سازمان ملل متحد درباره برابری حقوق زنان گفت که حقوق زنان در سراسر جهان «محدود، تهدید و نقض می شود». او افزود، اگر این روند ادامه یابد، برابری زن و مرد تنها در ۳۰۰ سال آینده محقق خواهد شد. گوترش گفت، دستاوردهای حاصل از چندین دهه در حال محو و نابودی است، زیرا پدرسالاری آن را زیر ضربات خود گرفته است. او به

چهارشنبه سوری و جنبش آتش

زنان در مسیر رهایی

بقیه از صفحه ۱۸

همچنین در بازه زمانی سال ۱۴۰۱، دست کم ۱۴ زن زندانی در ایران اعدام شدند و دو زن نیز به اعدام محکوم شدند. از سوی دیگر، خشونت خانگی علیه زنان نیز موضوعی فراگیر در ایران است که اغلب به عنوان یک موضوع خصوصی تلقی می شود و فقدان قوانینی برای حمایت از زنان در برابر خشونت خانگی، زنان را در برابر آزار و خشونت شریک زندگی یا اعضای خانواده خود آسیب پذیر کرده است. به طوریکه در یک سال گذشته ۳۸ مورد قتل زنان و ۱۴ مورد ضرب و جرح شدید که ریشه در خشونت خانگی داشته، گزارش شده است.

روز جهانی زن: زنان در چند شهر ایران با شعار «زن زندگی آزادی» تجمع کردند



در پی اعتراضهای سراسری پس از قتل حکومتی مهسا (ژینا) امینی، دختر ۲۲ ساله که به بهانه عدم رعایت حجاب توسط گشت ارشاد بازداشت شده بود، حداقل ۳۹۵۳ زن بازداشت شدند که از این تعداد ۱۰۱۹ زن توسط هرانا شناسایی شدند که ۱۶۰ تن از این افراد دانشجویان دانشگاههای مختلف بودند. زنان به دلیل شرکت در خیزش سراسری مورد هدف قرار گرفته و حداقل ۶۶ زن در ایران در جریان اعتراضات جان باختند و شماری نیز زخمی شدند. در روز جهانی زن گروهی از زنان در تهران، سنندج، کامیاران، سقز، شیراز، ارومیه، کرج، رشت، پیرانشهر، خاش و... تجمع و راهپیمایی کردند و با در دست داشتن پلاکاردهایی که موارد نقض حقوق بشر و حقوق زنان در ایران را یادآوری می کرد.



بر روی برخی از این پلاکاردها شعراهایی از جمله «کودک همسری مصداق تجاوز به کودکان است»، «ما زنان اعدام را قتل حکومتی می دانیم»، «زن زندگی آزادی یعنی زن مالک واقعی بدن خود است»، «۸ مارس، عصیان علیه زن ستیزی است»، «حفظ محیط زیست، حفظ زندگی است»، «به باورهایت می خندم»، «تمن را به بند می کشی، با اندیشه ام چه میکنی؟ اندیشه همیشه آزادم» نوشته شده بود.

یکی از به یادماندنی ترین شعارها این بود: «اگر با هم یکی نشیم، یکی یکی کشته می شیم»، «زن، زندگی، آزادی»، «آزادی آزادی آزادی» شماری از زنان نیز سرود «برابری» را که یکی از سرودهای جنبش زنان در ایران است، اجرا کردند.

(منابع استفاده شده برای تهیه این مجموعه: بی بی سی، یورو نیوز، دوپچه وله فارسی، صدای آمریکا، اتحادیه آزاد کارگران ایران، ژنها، تسنیم)



از دوشنبه شب ۲۲ اسفند، مردم ایران در گوشه و کنار کشور به استقبال جشن آتش رفتند و در نقاط مختلف تهران و شهرهای قزوین، گوهر دشت کرج، همدان، کرمان، امل، بابل، سنندج، مشهد، کامیاران، بلوار وکیل آباد مشهد و ملایر تظاهرات شبانه همراه با برافروختن آتش برگزار کردند. زنان و مردان در شهرک اکباتان در ستارخان، آریاشهر و تهرانپارس تجمع کردند و شعار سردادند.

شامگاه سه شنبه ۲۳ اسفند، در تهران در مناطق مختلف از جمله در اکباتان، قیطریه، میدان انقلاب، سلطنت آباد، میرداماد، وحیدیه، گیشا، سعادت آباد، شهرک شریعتی، نازی آباد، جوادیه، نظام آباد، سبلان، افسریه، هفت حوض نارمک، خیابان، طیب، شهرک نفت و منطقه ۱۷ فلاح، شهریار، اسلامشهر، پردیس، گلستان، نسیم شهر، رباط کریم شهرک باقری، تهرانسر، پردیس و...

در سایر شهرها از جمله کرج، رشت، اصفهان (در چندین منطقه)، گرگان، تبریز، اردبیل، مشگین شهر، ارومیه، زنجان، نیشابور، سبزوار، قم، اراک، تاکستان، محلات، آبدانان، سنندج، شاهین دژ، دهگلان، مهاباد، سقز، دیواندره، پیرانشهر، ملایر، سردشت، کرمانشاه، کرند غرب، جوانرود، دالاهو، سقز، میروان، بانه، اشنویه، کامیاران، بروجرد، مشهد، بوکان، سرپل ذهاب، نقده، خرم آباد، دورود، تفت یزد، ایذه، اهواز، لالی خوزستان، بوشهر، کرمان، رفسنجان و زاهدان مردم بصورت گسترده در مناطق مختلف شهر تجمع کرده و با روشن کردن آتش و یرتاب نارنجکهای صوتی و سردادن شعارهای ضد حکومتی کارزار چهارشنبه سوری را برگزار کردند.

در برخی از نقاط جوانان، شورشگر یایگاههای سرکوبگر و مراکز ارتجاع را به آتش کشیدند و در

کرمانشاه شعار «شیخ جنایت پیشه پاسخ تو آتیشه»

شعراهایی از جمله: "مرگ بر خامنه ای"، "مرگ بر بسیج"، "مرگ بر سپاه"، "آزادی آزادی آزادی"، "مرگ بر دیکتاتور"، "این همه سال جنایت، مرگ بر این ولایت"، "فقر فساد گرونی، میریم تا سرنگونی"، "مرگ بر خامنه ای / لعنت بر خمینی"، "مرگ بر حکومت بچه کش"، "مرگ بر جمهوری اسلامی"، "مرگ بر مسئول بی لیاقت"، "زن، ژینا آزادی"، "کوردستان کوردستانی فاشیستان"، "شه هید نامرن" سرداده شدند.

ویدیویی از اعتراضات در سنندج در شبکههای اجتماعی منتشر شده که در آن معترضان شعارهای «زن، ژینا، آزادی» و «مرگ بر دیکتاتور» می دادند. هه نگاهو زمان، این ویدیو را دوشنبه ۲۲ اسفند عنوان کرده است.

در منطقه گیشا در تهران، گروهی از مردم در خیابان، رقص و یایکوب، همراه با سردادن شعار «مرگ بر دیکتاتور» و «زن، زندگی، آزادی» کردند.

سه شنبه شب در شهر بیان، (بیون از توابع شهرستان ایذه) در خوزستان مردم گرد آتش، شعار می دادند: «ما زن و مرد جنگیم، بجنگ تا بجنگیم»، «توماج صالح، آزاد باید گردد».

در همین شب تعدادی از زنان در تهران مقابل زندان اوین تجمع کرده و ضمن رقص، شعراهایی چون «زن، زندگی، آزادی»، «مرگ بر دیکتاتور» و «مرگ بر خامنه ای قاتل» را فریاد کردند.

شعراهای «مرگ بر دیکتاتور» و «امسال سال خونه، سید علی سرنگونه» از شعراهایی است که در چهارشنبه سوری هزاران نفر آن را در محله نظام آباد تهران فریاد کردند. در شهر زیبا، واقع در غرب تهران، نیز همزمان با چهارشنبه سوزی جمعیت گسترده ای مقابل منزل حمید رضا روحانی، دانشجوی شهید، تجمع کرده و ضمن سردادن شعار «حمیدرضا روحت شاد»، شعراهایی چون «مرگ بر خامنه ای» و «مرگ بر دیکتاتور» را فریاد زدند.

مردم وحیدیه در تهران با وجود شلیک گاز اشک آور از سوی نیروهای سرکوبگر، اقدام به مقاومت کرده و این نیروها را عقب راندند و به سردادن شعراهایی چون «امسال سال خونه، سید علی سرنگونه» پرداختند.

یادهای نامیرا

م. وحیدی (م. صبح)

چراغهای شب
جاری
در برگ فصول
پرتو نوری
که طنین «نه» دارد
پا می کوبد
مرگ آگاه
بر جاودانگی حیات
نعره ای
بر درگاه تاریخ بلوغ
و حیرت جهانی
که زیبایی اش را
باز می یابد
سفر می کند
به سرزمین اشکها و
خاطره ها
و آخرین سلام آشنا و
دقایق فتح
توشه ام آن جاست
در گستره ساعات انبساط
پر از یادهای نامیرا
و حس پیوند و پیام
که از اتفاقی های تازه
تکیه گاهی
از عشق می سازد

حمله به مدارس؛ تابلوی ناامیدی یک رژیم پا به گور

منصور امان

این اسلام سیاسی و ایدئولوژی نفرت پراکن و نگاه ضدانسانی آن به زنان است که پشت دیوارهای مدارس و دانشگاه به کمین نشست. ارتجاع دینی به این وسیله بار دیگر زیر نقش مرکزی سرکوب زنان در ترویج و تحکیم قدرت خود خط تاکید می کشد. افزایش درجه توحش اسلام سیاسی به این مرز، بیش از همه سرچشمه در ناتوانی و ضعف آن در سرکوب جنبش انقلابی شهریور دارد. به اندازه ای که استبداد دینی حاکم در اعمال قدرت مطلق خود چه به گونه عینی و چه ذهنی در نتیجه مقاومت و بدیل سازی توده ها ناکام تر می

بدون هیچگونه تغییری، سناریوی شناخته شده رژیم ولایت فقیه پس از ارتکاب هر جنایت، در مورد حمله شیمیایی به مدارس دخترانه نیز در حال اجرا است؛ سناریویی که در مرحله اول با تکذیب و انکار نوشته شده، در مرحله دوم پراکندن گمانه زنی برای آشفته سازی افکار و تردید افکنی قرار دارد، فصل بعدی آن معرفی مظنونان و متهمان راهی است و سپس نوبت به وعده تعقیب اشباح و قول مجازات آنها می رسد. سناریو در فینال خود با صفحات سفیدی با سربرگ «مشمول مرور زمان» به پایان می رسد.



پیغام بهار

م. وحیدی (م. صبح)

به یاد خدا نور لجه ای، نماد مظلومیت مردم ایران

بهار
حرفش را
به باد زمستانی گفته بود:
- می آیم و
از شکفتن باز نمی ایستم
درهوا می رسیدن
پر می شوم از یقین و
تکرار می شوم
در روزها و لحظه ها
بال می زنم
بر پهنشدت سرخ سحر
در ژرفای هر نگاه
در تار و پود زیستن
زیبایی جهانم
با خرمن یادها و نام ها
زورقی
از عطر و غزل و حماسه
و روانی لجه شبنم
بر لبان برگها
سبزتر از بهاران
می جوشم
در برگ و بار آرزوها
چنان زلال
که فواره ها
تصویرم را
در ذرات هوا
منتشر می کنند
من
تلافی «نور» و آینه ام
در چشم دریچه ها
مرا
درشادی فردا
زمنه کن!

شود، به همان میزان نیز بر افسارگسیختگی و وحشی گری آن نیز افزوده می شود.

رژیم ج.ا ناامید از آینده، به چشم انداز «زمین سوخته» نزدیکتر می شود. این تهدید واقعی را تنها حضور فرآگیر، همه جانبه و قاطعانه نیروی سرنوشتی می تواند خنثی کند. رژیم گانگسترهای کودک کش بر لبه پرتگاه به فشاری سراسری و رزمنده برای کنده شدن چنگالهایش از دامن جامعه و سقوط به اعماق نیاز دارد.

فراسوی خبر... پنجشنبه ۱۱ اسفند



آویختن «نظام» به این نمایشنامه کهنه و دستمالی شده حتی برای هواداران آن نیز باید ناامید کننده باشد. در حالی که حضور آگاه گرانه یک جنبش نیرومند اعتراضی در فضای حقیقی و مجازی جایی برای روایت سازیهای حکومتی به جا نگذاشته، آنها از «نظام» انتظار به خرج دادن خلاقیت بیشتری در دروغپردازی و گمراه سازی داشتند.

حتی اگر چنته حاکمان درمانده و گیج شده این چنین خالی نبود، باز هم نمی توانست دستان آلوده اش در حمله به مدارس دخترانه را پنهان کند. همه کسانی که از خیزش شهریور تاکنون، شاهد رفتار وحشیانه مزدوران حکومت با زنان و دختران در کوچه و خیابان بوده اند، آنهایی که سلسله وار اخبار و شهادت شکنجه، آزار جنسی و تجاوز به زنان و دختران نوجوان را در زندانها و شکنجه گاهها می شنوند، چهره به چهره متهم ایستاده اند و مستقیم به چشم هرزه و تبهکارش چشم دوخته اند.

به همین گونه دوران روایتهای آرایش شده و دونیسه ای مانند پیش کشیدن «افراطیون» و یا «حکمرانی بد» نیز که از سوی مشایطه گران «اصلاح طلب» و ریزه خواران پس مانده سفره «بیت» طرح می شود، سپری شده. متهم شرارتهای نفرت انگیز اخیر علیه دختران خردسال و نوجوان، دستگاه حاکم بر کشور است که مزدورانش را دیروز با اسید و گشت ارشاد تجهیز می کرد و امروز با سلاح شیمیایی! کیست که نداند قلاده اوباش پاسدار و بسیجی و اطلاعاتی را استبداد دینی در دست دارد؛ همو که ارتکاب هر جنایت و توحشی را برای حفظ قدرت و ثروت روا و حلال کرده است.

جنبش رنگین کمان بیشماران (اسفند ۱۴۰۱)

گردآوری و تنظیم: پویا رضوانی

* به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، جمعی از کارگران شاغل در پتروشیمی مسجد سلیمان نسبت به عدم دریافت ۶ ماه حقوق و بیمه معوقه شان دست به اعتراض زدند که متعاقب آن نیروهای حراست درب پتروشیمی را به روی کارگران بستند.

* پیمانکاران فضای سبز شهرداری تبریز با تجمع مقابل استانداری آذربایجان شرقی سومین روز اعتراض شان را نسبت به عدم برگزاری مناقصه از ابتدای اسفند ماه سال ۱۴۰۰ برگزار کردند.

* جمعی از افراد دارای معلولیت استان خراسان رضوی برای انعکاس هرچه بیشتر صدای اعتراض شان نسبت به عدم پاسخگویی مسئولان به مطالبات شان، از جمله عدم تامین وسایل کمک توانبخشی، عدم پرداخت شهریه های دانشگاه، بیمه درمانی، بیکاری و مسکن دست به تجمع مقابل اداره کل بهزیستی این استان در مشهد زدند. به گزارش ایلنا، در پی این تجمع مسعود فیروزی (مدیر کل بهزیستی خراسان رضوی) در جمع معلولان حاضر شد و با آنها نشست فوری برگزار کرد.

چهارشنبه ۳ اسفند

* گروهی از خریداران ارز در برابر شعبه ارزی بانک ملی در خیابان فردوسی تهران تجمع کردند. روز گذشته بانک مرکزی از راه اندازی مرکز «مبادله ارز و طلا» برای کنترل وضعیت قیمت ارز خبر داده بود. به گزارش بی بی سی، معترضان به افزایش قیمت ارز که موجب افزایش قیمت خانه و خودرو و دیگر مایحتاج روزمره شده هم واکنش نشان دادند.

* کارگران کارخانه فولاد جهان آرا خرمشهر برای اعتراض به عدم پرداخت ۴ ماه حقوق (ماههای آبان، آذر، دی و بهمن) دست از کارکشیدن و در این واحد صنعتی واقع در خیابان فردوسی، این شهرستان، در استان خوزستان تجمع کردند.

* جمعی از مالکان زمینهای مرادآباد پونک در اعتراض به بلاتکلیفی ۳۰ ساله برخوردار از حق مجوز ساخت مقابل نهاد ریاست جمهوری در میدان یاستور تهران تجمع کردند. مالکان زمینهای مرادآباد پونک که ۳۰ سال پیش زمینها از سوی جهاد سازندگی به آنها واگذار شده و تا الان حق و مجوز ساخت نداشته اند،

* تجمع گروهی از آتش نشانان مقابل ساختمان شورای فرمایشی شهر تهران در خیابان بهشت. آتش نشانان معترض خواهان رسیدگی به خواسته های صنفی و معیشتی خود هستند و شعار می دادند: وعده ها یوشالیه، سفره ما خالیه / آتش نشان می میرد، ذلت نمی پذیرد.

* تجمع اهالی روستای دره در اعتراض به فعالیتهای معدن در منطقه دره یریان.

* تجمع اعتراضی کارگران معدن کرومیت اسفندقه در استان کرمان در محل این شرکت. این کارگران ۳ ماه حقوق، عیدی و یاداش پایان سال را از پیمانکار طلب دارند. همچنین ۳ ماه از بیمه آنها نیز پرداخت نشده است. شرکت یاقوت شهر که پیمانکار این معدن بوده پس از اتمام قرارداد، بدون پرداخت مطالبات کارگران اقدام به جمع آوری کارگاه و ترک معدن کرده است.

شنبه ۶ اسفند



ماه اسفند به جز حرکتی توده ای گوناگون بر بستر جنبش انقلابی، از جمله خیزش سراسری در شب چهارشنبه سوری و آخرین پنجشنبه سال، قیامهای درخشان روزهای جمعه در شهرهای بلوچستان مثل خاش، راسک، زاهدان، مراسم یادمان شهیدان انقلاب، سردادن شعارهای شبانه شاهد اعتصاب و تجمع از جانب کارگران و مزدبگیران و به خصوص بازنشستگان بودیم. در این ماه نیروهای کار دستکم ۱۷۴ روز اعتصاب و تجمع انجام دادند که فشرده اخبار آن را در زیر مطالعه می کنید. حرکتی اعتراضی معلمان، دانشجویان، دانش آموزان، در همین ماه در این شماره ماهنامه نبرد خلق جداگانه پوشش داده شده است.

دوشنبه یکم اسفند

* تعدادی از کارگران کارخانه فولاد آریا اردستان برای چندمین روز به دلیل حقوقهای معوق خود دست به اعتصاب زده و جلوی کارخانه تجمع کردند. به گزارش ایسنا، کارگران کارخانه فولاد آریا اردستان می گویند حقوق ماههای آبان، آذر، دی و بهمن خود را به طور کامل نگرفتند و در این وضعیت سخت معیشتی و اقتصادی دیگر تحمل ادامه این وضعیت را ندارند.

یکی از کارگران کارخانه گفت: حدود دو هفته پیش فرماندار و اعضای شورای تامین شهرستان برای بررسی مشکلات کارگران به کارخانه آمدند که مدیران شرکت وعده هایی برای برطرف کردن مشکلات دادند، ولی از آن زمان تاکنون هیچ کدام از قولهایشان عملی نشده است.

وی با بیان اینکه مدیران کارخانه می گویند بول نداریم حقوقتان را بدهیم، می پرسد: اگر واقعاً کارخانه برای پرداخت حقوق پرسنل خود با مشکلات مالی مواجه است پس این همه محصولات کارخانه کجا می رود؟

* کارگران پروژه ای شاغل در پتروشیمی آدیش واقع در سایت تمبک کنگان در اعتراض به عدم پرداخت حقوق معوقه و وعده های واهی برای پرداخت آن دست به اعتصاب زده و در محوطه کارگاه تجمع کردند. همزمان کارگران ترمینال نفتی جاسک (شرکت گاما) برای اعتراض به عدم پرداخت ۳ ماه حقوق (ماههای آذر، دی و بهمن) دست از کارکشیدن و در این پایانه نفتی در استان هرمزگان تجمع کردند.

* شماری از کارکنان شرکت ملی سرب و روی، در اعتراض به معوقات مزدی و عدم رسیدگی به مطالبات شان در شهرهای یزد و زنجان دست به تجمع زدند.

* کارکنان شرکت کانرود سازه پتروشیمی چابهار برای اعتراض به عدم پرداخت ۴ ماه حقوق دست به اعتصاب و تجمع زدند. به گزارش کمپین فعالان بلوچ، به دنبال اعتصاب کارکنان شرکت کانرود سازه پتروشیمی چابهار یک ماه از حقوق شان به صورت ناقص پرداخت شد و مدیر پروژه وعده داد تا دهم ماه جاری دو ماه از حقوق شان را پرداخت خواهد کرد.

* تجمع اعتراضی متقاضیان مسکن ملی ساوه مقابل فرمانداری این شهر.

* اعتصاب مغازه داران پاساژ گلستان بانه جهت اعتراض به گرانی اجاره و وضعیت اقتصادی

سه شنبه ۲ اسفند

* گروهی از اهالی «مسکن ویژه» منطقه تهرانسر پایتخت در برابر ساختمان شهرداری تجمع کردند. معترضان از شهردار منطقه ۲۱ می خواستند تا به جای وعده گفت و گو در مسجد، در محل کار به مطالبات شهروندان پاسخ دهد.

* برای سومین بار، کارگران شرکتی شهرداریهای خوزستان دست به تجمع مقابل استانداری خوزستان در کلانشهر اهواز زدند تا اعتراض شان را نسبت به عدم تبدیل وضعیت و عدم پاسخگویی مسئولان نشان دهند. به گزارش ایلنا، یکی از معترضان گفت: حدود ۲۰۰ نفر از کارگران شرکتی تحصیل کرده شهرداریهای مختلف استان خوزستان هستیم که بر اساس بخشنامه سال گذشته وزارت کشور و سازمان شهرداریها مشمول تبدیل وضعیت استخدامی از شرکتی به قرارداد مستقیم همانند سایر شهرداریهای کشور شده ایم. استانداری با استناد به رای که ۲۲ شهریور ماه سال جاری از سوی هیات عمومی دیوان عدالت اداری با شکایت یکی از شاکیان خصوصی در استان گیلان صادر شده است، از تبدیل وضعیت استخدامی ما کارگران مشمول این طرح خودداری می کند و ما معطل مانده ایم.

* جمعی از کارگران نانوییهای نیشابور برای اعتراض به سطح نازل حقوق اتحادیه نانویی مقابل اتحادیه نانوییهای این شهرستان در استان خراسان رضوی تجمع کردند.

جنبش رنگین کمان بیشماران

بقیه از صفحه ۲۱

کارگران پسماند شهرداری تهران برای اعتراض به عدم تبدیل وضعیت مقابل ساختمان شورای شهر تجمع کردند. به گزارش ایونا، تجمع کنندگان گفتند: از اجرای طرح تبدیل وضعیت شغلی و استخدامی نیروهای شرکتی ایثارگر واحد بازیافت خبری نیست. در آخرین پیگیری‌هایی که انجام داده ایم، برخی مسئولان شهری ضمن دادن وعده پیگیری خواسته هایمان، مدعی اند موضوع مشکلاتمان را به مسئولان بالادستی انتقال داده ایم اما تبدیل وضعیت کارگران ایثارگر واحد بازیافت همچنان مسکوت مانده است.

*کارکنان سازمان همیاری شهرداریهای استان کهگیلویه و بویراحمد برای اعتراض به عدم پرداخت به موقع حقوق برای چهارمین روز دست به تجمع مقابل این اداره در یاسوج زدند.

تولیدکنندگان و توزیع کنندگان عمده مرغ در استان کهگیلویه و بویراحمد برای افزایش قیمت و کمیاب شدن مرغ از ارائه مرغ به بازار اجتناب کردند. به گزارش فارس، مرغ گرم از شب گذشته تاکنون در بازار استان کمیاب شده و تولیدکنندگان و عاملین فروش با اعتصاب، خواهان افزایش قیمت مرغ هستند.

*رانندگان تاکسی فرودگاه مهرآباد برای اعتراض به نرخ کرایه تاکسیهای ویژه فرودگاه دست به اعتصاب زدند و با استارت زدن خودروهای شان از جابجایی مسافران خودداری کردند.

*به گزارش کانال کمپین پیگیری حقوق افراد دارای معلولیت، جمعی از نابینایان و کم بینایان بزرگسال و کودک به همراه خانواده های شان در اعتراض به واگذاری مرکز نابینایان خزان (موقوفه) به بخش خصوصی، مقابل سازمان بهزیستی کشور تجمع اعتراضی برگزار کردند.

*بازاریان تهران در محدوده پانزده خرداد در اعتراض به نوسانات نرخ ارز دست به اعتصاب زدند.

همزمان راسته پارچه فروشان بازار تهران (سرای امیرکبیر) مغازه های خود را تعطیل کردند.

چهارشنبه ۱۰ اسفند

*خانواده های زندانیان محکوم به اعدام با برپایی تجمع مقابل دفتر دیوان عالی قوه قضاییه در تهران شماره ای دیگر از سریال اعتراضی شان را نشان داده و خواهان توقف اعدام بستگان شان شدند.

*برای چندمین بار، اعضای مالباخته تعاونی مسکن کارکنان نهاد ریاست جمهوری برای اعتراض به عدم پاسخگویی دست به تجمع مقابل ساختمان ریاست جمهوری زدند. به گزارش انتخاب، در سال ۱۳۹۹ تعاونی مسکن نهاد ریاست جمهوری اقدام به فروش ۸۳ واحد مسکونی از فاز ۱۱ زون ۲ و ۳ پروژه پردیس می کند که هر یک از اعضاء حدود ۵۰۰ میلیون تومان را طی ۵ قسط در ظرف پنج ماه به حساب تعاونی مسکن ریاست جمهوری واریز کردند.

طبق وعده شفاهی علوی مدیرعامل تعاونی مسکن، مقرر شده بود که این افراد تا شهریور سال ۱۴۰۰ بعد از پرداخت مبلغ ۲۰۰ میلیون دیگر، کلید خانه های خود را دریافت کنند.

پنجشنبه ۱۱ اسفند

کارگران پتروشیمی گچساران «شرکت تیام صنعت» پیمانکاری محمد سلحشور در اعتراض به عدم دریافت حقوق برج ۱۰ و ۱۱ دست به اعتصاب زدند. آنها با تهدید نیروی سرکوبگر انتظامی مواجه شدند.

شنبه ۱۳ اسفند

*کارگران پستهای فشار قوی برق (کارگران بخش دولتی) برای افزایش حقوق ابتدا مقابل مجلس تجمع کردند و اعتراض شان نسبت به دخالت مجلس در تعیین دستمزد سالیانه کارگران نشان دادند و سپس راهی وزارت نیرو شدند تا به عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل اعتراض کنند. به گزارش برق نیور، کلاه زردهای حاضر در تجمع گفتند: تعیین دستمزد برای تمام کارگران کشور، چه در بخش خصوصی شاغل باشند و چه در دولت، برعهده شورای عالی کار است و نباید افزایش دستمزد کارگران دولت در لایحه بودجه مشخص شود.

*جمعی از اهالی منوجان برای اعتراض به ممانعت از ساخت و ساز توسط بنیاد مسکن در زمینهای آبا و اجدادی مقابل فرمانداری این شهرستان در استان هرمزگان زدند.

*کارگران ذوب آهن اصفهان برای افزایش حقوق منجمله بروز کردن طرح طبقه بندی مشاغل دست به تجمع در این مجتمع زدند. به گزارش ایونا، تجمع کنندگان گفتند: درآمد کارگران به اندازه ای نیست که معاش شان تامین شود به همین دلیل درخواست بازنگری در اجرای طرح طبقه بندی مشاغل را داریم تا همه بتوانند از مزایای اجرای این قانون استفاده کنند.

*برای هفتمین روز کارگران شهرداری لالی برای اعتراض به عدم پرداخت ۵ ماه حقوق و ۹ ماه حق بیمه اعتصاب کردند و کارگران بخش نظافت شهری از جمع آوری زباله ها از سطح شهر خودداری کردند. به گزارش ایونا، کارگران شهرداری لالی در استان خوزستان از شهریور موقوفات مزدی طلبکارند. کارگران گفتند: مسئولان استانی از وضعیت معیشتی و بی پولی کارگران شهرداری لالی باخبرند اما پیگیری صورت نمی گیرد.

*کارگران پروژه ای شرکت نصب نیرو شاغل در نیروگاه سلان اردبیل در اعتراض به عدم پرداخت ۳ ماه حقوق معوقه دست به اعتصاب زده و در محوطه کارگاه تجمع کردند.

یکشنبه ۷ اسفند

*کارگران کشت و صنعت هفت تپه برای دومین روز متوالی نسبت به عدم پاسخگویی به مطالبات شان منجمله همسانسازی نشدن حقوق دست به تجمع در این مجتمع زدند.

*به گزارش شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت، کارگران شاغل در شرکت پخش فراورده های نفتی منطقه اصفهان نسبت به عدم پاسخگویی به مطالبات شان تجمع کردند و خواهان رسیدگی به مطالبات خود شدند.

*جمعی از کشاورزان روستای الباجی که در مسیر بین اهواز-اندیمشک واقع شده برای گرفتن حقایق خودشان دست به تجمع زدند. خشکسالی سالهاست که کشاورزان خوزستان را تحت فشار قرار داده و اوضاع همواره در حال بدتر شدن است.

*مالباختگان و حواله داران شرکت آذینکو مقابل دادگاه ویژه رسیدگی به جرائم اقتصادی در اعتراض به عدم تعیین تکلیف پرونده کلاهبرداری این شرکت و عدم تحویل خودروها به حواله داران، پس از گذشت پنج سال تجمع کردند. مسئولان شرکت صنعتی خودرو آذربایجان (آذینکو)، پیشتر به دریافت ارز دولتی و عدم بازگردان آن به حساب خزانه دولت و همچنین کلاهبرداری از صدها مشتری با پیش فروش صوری خودرو ام جی، ۳۶۰ متهم شده بودند، اما روند رسیدگی به پرونده همچنان دارای ابهام است.

*شماری از نانوایان مقابل اتحادیه نانوایان تهران، در اعتراض به وضعیت معیشتی خود تجمع کردند. آنها در این تجمع اعتراضی خواهان آزادسازی قیمت آرد نان و دادن یارانه به خود مردم شدند. اعتراض دیگر آنها به دستگاههای هوشمند نانوینو بود که به گفته آنها اعتبار ندارند.

پیش از این نیز نانوایان اعتراضات مشابهی برگزار کردند. آنها به «کم شدن سهمیه ها، بالا رفتن هزینه ها مانند قیمت کنجد و مایه ولی در عوض ثابت ماندن نرخ نان» اعتراض دارند.

دوشنبه ۸ اسفند

*کارگران شرکت فولاد یزد در اعتراض به عدم رسیدگی به مشکلات شان، برای دومین روز متوالی اعتصاب کرده و دست به تجمع زدند.

سه شنبه ۹ اسفند



جنبش رنگین کمان بیشماران

بقیه از صفحه ۲۲

یکشنبه ۱۴ اسفند

* جمعی از معلولان و مدیران مراکز توانبخشی به دلیل بی توجهی مسئولان در عمل به وعده ها مقابل سازمان برنامه و بودجه تجمع کردند. به گزارش ایسکانیوز، پیش از این مسئولان وعده پرداخت معوقات را داده بودند اما هنوز با اینکه چند هفته ای بیشتر تا پایان سال نمانده، پرداختی انجام نشده است. بهروز مروتی فعال حوزه معلولان در این باره گفت: ما در تاریخ ۲۴ بهمن هم تجمع برگزار کردیم و مسئولان در آن تاریخ وعده دادند که تا ظرف مدت ده روز معوقات پرداخت خواهد شد اما این اتفاق نیفتاده است.

دوشنبه ۱۵ اسفند

* برای چندمین بار و دومین روز متوالی، کارگران شهرداری یاسوج دست به تجمع مقابل استانداری کهگیلویه و بویراحمد زدند تا صدای اعتراض شان به عدم پرداخت ماهها حقوق و حق بیمه را هرچه بیشتر منعکس کنند. به گزارش کبنا نیوز، کارگران شهرداری یاسوج که از مرداد و شهریور ماه تاکنون حقوق معوقه دارند بعد از اینکه از تجمع خود جلوی شورای شهر نتیجه ای نگرفتند، این بار جلوی استانداری تجمع کردند، این دومین بار است که کارگران جلوی استانداری تجمع می کنند و هنوز در بالاترین سطح به سر می برند. یکی از این کارگران گفت: ما گرسنه ایم و تجمع ما تنها برای مطالبه حقوقمان است.

سه شنبه ۱۶ اسفند

* خانواده های زندانیان محکوم به اعدام در ادامه اعتراضات دامنه دارشان دست به تجمع مقابل زندان قزلحصار کرج زدند تا از اعدام بستگان شان جلوگیری کنند.

* کارگران پتروشیمی گچساران در اعتراض به عدم دریافت ۲ ماه حقوق و فضای امنیتی محیط کار دست به اعتصاب زدند. به گزارش شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت، کارگران پتروشیمی گچساران گفتند: فقر و گرانی، نپرداختن به موقع دستمزدها، اخراجها و نداشتن امنیت شغلی و چپاولگریهای پیمانکاران، فضای امنیتی مراکز کاری و پایین بودن استانداردهای زیستی و عدم ایمنی محیط های کار از جمله موضوع اعتراضی همکاران ما در صنعت نفت در سطح سراسری است.

پنجشنبه ۱۸ اسفند

* کارگران بخش توسعه بخار نیروگاه سیکل ترکیبی ارومیه برای اعتراض به اخراج کار در آستانه سال نو و عدم پرداخت مطالبات شان دست به تجمع مقابل درب ورودی این واحد تولید انرژی در استان آذربایجان غربی زدند و خواهان بازگشت به کار و پرداخت مطالبات شان شدند.

به گزارش ایلنا، تعدادی از کارگران گفتند: ما کارگران بخش توسعه بخار نیروگاه به عدم پرداخت حق و حقوق و تعدیل و اخراجمان دم عید توسط شرکت های اقماری مینا، نفت نیرو، نیرو پژو و... اعتراض داریم و خواهان بازگشت به کار و پرداخت حق و حقوقمان هستیم.

* اهالی خشمگین روستای بنیاباد جلگه زوزن خواف به دنبال جان باختن یکی دیگر از جوانان بر اثر تصادف در جاده خواف - قائن در اعتراض به این جاده مرگبار و کم عرض و دو بانده نشدن این محور رابرای ساعاتی مسدود کردند. به گزارش صدا و سیما، رژیم، در پی تصادفات و بالاترین جاده خواف به قائن مردم روستای بنیاباد جلگه زوزن خواف در استان خراسان رضوی در اعتراضی مسالمت آمیز خواستار رسیدگی مسئولان این شهرستان به این جاده شدند.

روز شنبه ۲۰ اسفند

* کارکنان بیمارستان تهران کلینیک برای اعتراض به عدم پرداخت ۳ ماه حقوق، ۲ سال عیدی و ۵ سال سنوات دست به تجمع مقابل این مرکز درمانی در پایتخت زدند. به گسترش نیوز، یکی از پرستاران معترض گفت: حدود ۳ ماه است که حقوقی دریافت نکرده ایم و همچنین عیدی ما که مربوط به سال گذشته می شود، همچنان پرداخت نشده است. یکی دیگر از پرستاران حاضر در تجمع گفت: حدود سال است که سنوات دریافت نکرده ایم و حتی لباس مناسب برای کار کردن در بخشهای مختلف بیمارستان هم به ما ندادند. زمانی که اعتراض خودمان را به مدیریت نسبت به وضعیت موجود اعلام می کنیم، در جواب می گوید هرکس این وضعیت را تحمل نمی کند از این بیمارستان برود.

* جمعی از کادر درمان و کارکنان دانشگاه علوم پزشکی ایلام با تجمع مقابل ساختمان این دانشگاه و سردادن شعار «مسئول بی کفایت استعفا استعفا» اعتراض شان را نسبت به سطح پایین حقوق و عدم پرداخت به موقع و شرایط کاری نشان دادند.

* جمعی از کارگران فصلی شرکت نیشکر هفت تپه در اعتراض به عدم تحقق مطالبات شان دست از کار کشیدند و در محوطه شرکت تجمع کردند.

یکشنبه ۲۱ اسفند

* جمعی از کارگران دولتی از نهادهای مختلف در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالبات شان در مقابل ساختمان شورای نگهبان دست به تجمع اعتراضی زدند. به گزارش ایلنا، این کارگران خواستار حذف عبارت «حقوق و دستمزد مشمولان قانون کار در دستگاههای اجرایی» از متن بند الف تبصره ۱۲ لایحه بودجه ۱۴۰۲ هستند. در این بند از بودجه، مزد کارگران دولت به طور غیرقانونی برابر با افزایش حقوق کارمندان تعیین شده است. یکی از کارگران معترض در این خصوص اظهار داشت: تعیین دستمزد کارگران کشور برعهده شورای عالی کار است و امیدواریم قبل از پایان سال، شورای نگهبان مقدمات حذف این عبارت غیرقانونی را فراهم سازد.

* مالباختگان شرکت صنعتی خودروی آذربایجان (آدویکو) مقابل شعبه تخصصی رسیدگی به جرائم اقتصادی تهران در اعتراض به بالاترین و عدم پاسخگویی مسئولان تجمع کردند.

مالباختگان آدویکو حدود پنج سال است که از این شرکت پیش خرید خودرو کردند، اما هیچگاه خودرویی دریافت نکردند. مالباختگان شرکت آدویکو می گویند که این شرکت با وجود دریافت ارز دولتی خودروها را تحویل نداده است.

* شماری از مالباختگان و حواله داران شرکت آدویکو، مقابل ساختمان دادگستری کل استان تهران تجمع کردند. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، رسیدگی به پرونده کلاهبرداری این شرکت و تحویل خودروها پیش خرید شده توسط شهروندان از جمله مطالبات معترضان حاضر در این تجمع عنوان شده است.

* به گزارش شورای بازنشستگان ایران، پرستاران در قزوین در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالبات شان با سر دادن شعارهای اعتراضی، مقابل ساختمان استانداری این شهر دست به تجمع زدند.

* جمعی از عشایر کرمانشاه برای اعتراض به عدم صدور کوچ از طرف فرمانداری شهرستان گیلانغرب و بازپس ندادن مرتع در منطقه سومار (بان میل) مقابل استانداری تجمع کردند.

به گزارش مرصاد نیوز، مرتعی که متعلق به شهرستان سومار و عشایر آن منطقه است در اقدامی تامل برانگیز با دخالت یکی از بهارستان نشینان استان ایلام و در خواب نمایندگان استان کرمانشاه به نفع خانوارهای عشایری ایلام در حال مصادره است.



دوشنبه ۲۲ اسفند

* جمعی از کارگران شرکت سیمان ایلام، در محوطه این شرکت تجمع کردند. تجمع این کارگران در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالبات شان، صورت گرفته است.

* کارگران نگهداری خط و ابنیه فنی راه آهن ناحیه اراک (شرکت پیمانکاری راهبر ریل ایرانیان) برای اعتراض به عدم پرداخت حقوق و عیدی دست از کار کشیدند و خواهان پاسخگویی مسئولان شدند.

سه شنبه ۲۳ اسفند

* به گزارش هفت تپه کانال مستقل کارگران، شماری از کارگران شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه، برای دومین روز متوالی در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالبات شان، دست به اعتصاب و تجمع زدند.

جنبش رنگین کمان بیشماران

بقیه از صفحه ۲۳

تهران، مقابل ساختمان، وزارت ارتباطات پنجمین دوشنبه اعتراضی شان را نسبت کاهش قدرت خرید از جمله عدم اجرای آییننامه سال ۸۹ و افزایش ۳۰ درصدی سهم بیمه تکمیلی و عدم پرداخت سهم خوار و بار و مطالبات دیگر رقم زدند.

سه شنبه ۲ اسفند

* شماری از بازنشستگان علوم پزشکی، در تهران، مقابل صندوق بازنشستگی، تجمع اعتراضی، برگزار کردند. آنها به عدم پرداخت احکام ۱۵ درصد ۱۴۰۰ معترض هستند.

چهارشنبه ۳ اسفند

* برای باری دیگر، کارگران بازنشسته سازمان، تأمین اجتماعی، خوزستان، برای اعتراض به سطح نازل حقوق و عدم همسانسازی مقابل اداره کل امین اجتماعی استان در اهواز تجمع کردند. / تجمع اعتراضی، فرهنگیان، بازنشسته تهران، در برابر وزارت آموزش، پرورش، در اعتراض، به وضعیت بد معیشتی، با شعار هزینه ها دلاریه حقوق، ما ریالیه



یکشنبه ۷ اسفند

* کارگران بازنشسته و مستمری بگیران سازمان تأمین اجتماعی در سومین یکشنبه اعتراضی شان نسبت به سطح نازل حقوق و عدم همسانسازی، عیدی کارمندی (مبلغ ناچیز یک میلیون و هشتصد هزار تومانی) و عدم برخورداری از درمان رایگان دست به تجمع مقابل سازمان اجتماعی در اهواز، رشت، شوش، شوشتر و کرمان زدند. / جمعی از بازنشستگان صنایع فولاد اصفهان در اعتراض به عدم رسیدگی به مشکلات شان مقابل ساختمان صندوق بازنشستگی فولاد اصفهان دست به تجمع زدند. / تجمع بازنشستگان ذوب آهن و فولاد مبارکه اصفهان.

دوشنبه ۸ اسفند

* جمعی از بازنشستگان، مخابرات در شهرهای تبریز، اردبیل، اصفهان، مشهد، زنجان، سنندج، کرمان، کرمانشاه، خرم آباد، اراک، بندرعباس، همدان و تهران در اعتراض به عدم رسیدگی، به مشکلات و مطالبات شان، از جمله اجرای کامل آیین نامه رفاهی، سال ۸۹، در محل شرکت‌های مخابرات مراکز استانها تجمع کردند.

سه شنبه ۹ اسفند



* بازنشستگان کشوری، لشکری و تأمین اجتماعی برای اعتراض به کاهش قدرت خرید دست به تجمع مقابل استانداری و فرمانداری در شهرستانهای اراک، اردبیل، اصفهان، اهواز، ایلام، بابل، تاکستان، تبریز، دهگلان، رشت، همدان، سنندج، شهر کرد، قزوین، کرج، کرمانشاه، مریوان، مشهد و یزد زدند و خواهان افزایش حقوق شدند.

چهارشنبه ۱۰ اسفند

* بازنشستگان شوش و اهواز بار دیگر در اعتراض به شرایط بد معیشتی، فقر، تبعیض و نابرابری دست به راهپیمایی زدند و مقابل اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی این شهرستان تجمع کردند.

چهارشنبه ۲۴ اسفند

* کارکنان مرکز نگهداری از معلولین ذهنی باب الحوائج شهرستان زرنند در استان کرمان برای اعتراض به سطح نازل حقوق و شرایط سخت کاری دست از کار کشیدند و تجمع کردند.

حقوق کارکنان مرکز نگهداری از معلولان ذهنی باب الحوائج شهرستان زرنند به دنبال اعتصاب و تجمع از ۵ میلیون تومان به ۸ میلیون ارتقا پیدا کرد.

* تجمع اعتراضی خانواده زندانیان محکوم به اعدام مقابل زندان مرکزی ارومیه.

پنجشنبه ۲۵ اسفند

* جمعی از خانواده های زندانیان محکوم به اعدام مقابل زندان ارومیه تجمع کردند تا شاید مانع از اعدام عزیزان شان شوند.



شنبه ۲۷ اسفند

* کارکنان و موسسان مراکز توانبخشی خصوصی و کمپین معلولان در ایران در اعتراض به عدم دریافت حق و حقوق معوقه خود مقابل سازمان برنامه و بودجه تجمع کردند. نماینده این کارکنان معترض در مورد علت این تجمع به خبرنگاری ایلنا گفت: «ما ۸ ماه با پارانه سال ۱۴۰۰ کار کردیم و سازمان برنامه و بودجه مابه التفاوت سال ۱۴۰۱ را هم پرداخت نکرده است.» به گفته این نماینده در این مدت همچنین «حق پرستاری معلولان و سایر حق و حقوق کارکنان پرداخت نشده و باید ۱۰۰ درصد بودجه بهرزیستی محقق می شده که ظاهراً ۴۹ درصد آن عملی شده و ۵۱ درصد بودجه به بهرزیستی داده نشده است.»

* کارگران شهرداری منطقه ۴ کرمان برای اعتراض به عدم پرداخت حقوق وعیدی شان از طرف شرکت پیمانکاری بزم آرا نیکا و عدم پاسخگویی مسئولان دست به تجمع مقابل این شهرداری زدند. به گزارش کرمان نو، یکی از کارگران حاضر در تجمع گفت: تمام این حقوقها برای قسط و هزینه های خانواده صرف می شود و تمام امید این قشر دریافت عیدی است که بتواند عید را برای خود متفاوت کند.

* جمعی از خانواده های ورزشکاران ژیمناستیک بیرجند برای اعتراض به واگذاری خانه ژیمناستیک مقابل سالن بهاران بیرجند و درب استانداری خراسان جنوبی تجمع کردند.

* به گزارش کولبرنیوز، جمعی از تاکسی داران شهر سنندج برای اعتراض به هزینه های بالا و عدم افزایش نرخ کرایه دست به اعتصاب و تجمع زدند.

جنبش گسترده بازنشستگان

دوشنبه اول اسفند

* کارگران، بازنشسته مخابرات استانهای آذربایجان، شرقی، اصفهان، ایلام، تهران، خراسان، رضوی، خوزستان، کردستان، کرمانشاه، کهگیلویه و بویراحمد، لرستان، مرکزی و همدان با برپایی تجمع مقابل ساختمان مرکزی شرکت مخابرات در تبریز، اصفهان، ایلام، اهواز، مشهد، سنندج، کرمانشاه، یاسوج، خرم آباد، اراک، همدان و

جنبش رنگین کمان بیشماران

بقیه از صفحه ۲۴

سطح نازل حقوق و عدم همسانسازیش، عیدی کارمندی (مبلغ ناچیز یک میلیون و هشتصد هزار تومانی) و عدم برخورداری از درمان رایگان رقم زدند.

شعارهای بازنشستگان



بازنشسته پیاخیز برای رفع تبعیض
مشکل بازنشسته پس کی می خواد حل بشه
نه مجلس نه دولت نیستند به فکر ملت
رئیس دروغگو حاصل وعده هات کو
سوریه را رها کن فکری به حال ما کن
دولت بی کفایت استعفا استعفا
کجای این عدالته دستش تو جیب ملته
حسین حسین شعارشون دروغ و دزدی کارشون
دولت خیانت می کند مجلس حمایت می کند
دولت بی کفایت، استعفا، استعفا
رئیس دروغگو و عده برجاست کو
هزینه ها دلاری حقوق ما ریالیه
گرانی تورم بالای جان مردم
همسانسازی حق مسلم ماست
رزمندگان دیروز، گرسنگان امروز
فقط کف خیابون، به دست میاد حقمون
تا حق خود نگیریم، از پا نمی نشینیم
اجرای همسانسازی، بدون حقه بازی
نگ ما، ننگ ما، صدا و سیمای ما
بازنشسته بیدار است، از حق خوری بیزار است
یخچال بازنشسته خال، تر از گذشته
ظلم و ستم کافیه، سفری ما خالیه
فقط کف خیابون به دست میاد حقمون
معیشت منزلت حق مسلم ماست
بازنشسته داد بزن حقو فریاد بزن
«بازنشسته می میرد ذلت نمی پذیرد»
تا حق خود نگیریم آرام نمی نشینیم
دروغ می گند آمریکاست دشمن ما همینجاست
این همه بی عدالتی هرگز ندیده ملت
درمان رایگان حق مسلم ماست
به اختلاس کم بشه مشکل ما حل میشه
نگ ما، ننگ ما، صدا و سیمای ما
مشکل ما حل نشه تجمع تکرار می شه

یکشنبه ۱۴ اسفند

*کارگران بازنشسته و مستمری بگیران سازمان تامین اجتماعی چهارمین یکشنبه اعتراضی شان را نسبت به سطح نازل حقوق و عدم همسان سازی، عیدی کارمندی (مبلغ ناچیز یک میلیون و هشتصد هزار تومانی) و عدم برخورداری از درمان رایگان با تجمع مقابل سازمان اجتماعی اهواز، شوش، شوشتر و کرمانشاه رقم زدند.

دوشنبه ۱۵ اسفند

*کارگران، بازنشسته مخابرات کشور با تجمع مقابل یا در ساختمان مرکزی شرکت مخابرات در شهرهای تبریز، ارومیه، کرج، اصفهان، ایلام، مشهد، اهواز، سنندج، کرمانشاه و یزد و در تهران مقابل ساختمان وزارت ارتباطات هفتمین دوشنبه اعتراضی شان را نسبت به کاهش قدرت خریدار جمله عدم اجرای آییننامه سال ۸۹ و افزایش ۳۰ درصدی سهم بیمه تکمیلی، و عدم پرداخت سهم خوار و بار و مطالبات دیگر را رقم زدند.

یکشنبه ۲۱ اسفند



*شماره ۱ از بازنشستگان تامین اجتماعی در شهرهای اهواز، کرمانشاه، شوش، شوشتر و کرمان مقابل ساختمان اداره تامین اجتماعی در این شهرها تجمع کردند. / شماره ۲ از بازنشستگان صنایع فولاد ایران در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالباتشان با در دست داشتن پلاکاردهایی، در مقابل ساختمان صندوق بازنشستگی فولاد تهران دست به تجمع زدند. همزمان کارگران بازنشسته صنعت فولاد اصفهان با پهن کردن سفره خالی و سردادن شعار «سفره ما خالیه وعده وعید کافیه» اعتراض شان را نسبت به سطح پایین حقوق و عدم پاسخگویی مسئولان به نمایش گذاشتند.

دوشنبه ۲۲ اسفند

*جمعی از بازنشستگان مخابرات در استانهای خراسان رضوی، یزد، تهران، البرز، کرمانشاه، لرستان، اردبیل، کردستان، خوزستان، آذربایجان غربی، آذربایجان شرقی، اصفهان و کهگیلویه و بویراحمد، مقابل ساختمان مرکزی مخابرات شهرهای خود، دست به تجمع اعتراضی زدند.

سه شنبه ۲۳ اسفند

*برای دومین بار در ماه جاری، کارگران بازنشسته فولاد خوزستان برای اعتراض به عدم تحقق مطالبات شان مقابل درب اصلی کارخانه فولاد خوزستان تجمع کردند و سفره خالی پهن کردند.

چهارشنبه ۲۴ اسفند

*کارگران بازنشسته سازمان تامین اجتماعی در ادامه اعتراضات شان نسبت به سطح نازل حقوق و عدم همسان سازی، عیدی کارمندی (مبلغ ناچیز یک میلیون و هشتصد هزار تومانی) و عدم برخورداری از درمان، رایگان برای باری دیگر دست به تجمع مقابل اداره تامین اجتماعی در اهواز و شوش زدند.

یکشنبه ۲۸ اسفند

*کارگران بازنشسته و مستمری بگیران سازمان تامین اجتماعی با تجمع مقابل سازمان اجتماعی اهواز، شوش و شوشتر ششمین یکشنبه اعتراضی شان را نسبت به

سیاسی ترین چهارشنبه سوری تاریخ ایران

منصور امان

نرمش زبوانه خامنه ای
در بطن جنبش انقلابی

زینت میرهاشمی

یکی از دستاوردهای جنبش انقلابی جاری تغییر توازن قوا بین حکومت و مردم و عدم بازگشت به شرایط قبل از شهریور ۱۴۰۱ است. بازگشت ناپذیری به قبل را بیش از همه اتاق فکر رژیم فهمیده است. سراسری و عمومی شدن خواست تغییر، تحول و سرنگون کردن جمهوری اسلامی به کابوس جدی برای رژیم تبدیل شده است. نرمشهای رژیم در روزهای اخیر، برقراری مناسبات با عربستان سعودی، توافق با گروهی، رئیس سازمان انرژی اتمی بین المللی و تبادل گروهانهای زندانی با آمریکا و... است. شروع حرکتی اعتراضی بازنشستگان، فرهنگیان و کارگران آنهم در بطن اعتراضهای خیابانی، تهدیدی جدی برای رژیم است. در زمینه اقتصادی، وضعیت معیشت و زندگی مردم طی یک سال و نیم گزینش رئیسی بسیار بدتر شده است. سیاست خامنه ای در پمپاژ امید شکست کامل خورده است. رژیم در مناسبات بین المللی در هنگامه جنبش انقلابی بیشتر از همیشه ایزوله شده است. ولی فقیه ارتجاع، در برابر شرایط بحرانی کنونی، نرمش بزدلانه برای تنفس موقتی با نقش کدخدایی چین را پذیرفته است.

رئیس کمیسیون انرژی اتاق ایران در مصاحبه ای با تجارت نیوز ۲۱ اسفند گفت: «از سرگیری مذاکرات دو کشور با دیکته چین و چراغ سبز آمریکا به عربستان رقم خورده است.» در حالی که رژیم برای مصرف داخلی این ارتباط را یک ضربه به اسرائیل و آمریکا و بالا رفتن قدرت خود می داند.

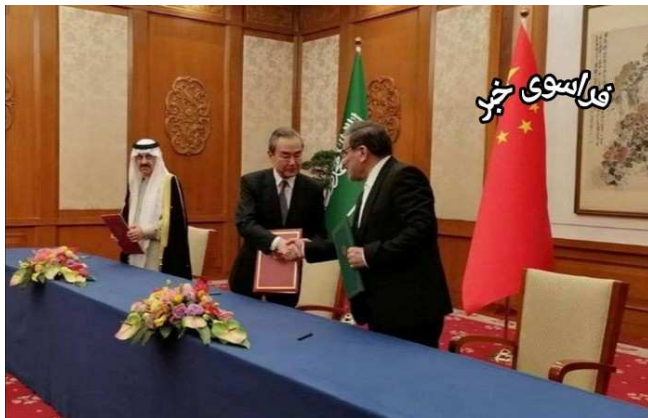


رژیم ستمگر ج.ا گریبان خود را از دست جامعه نمی تواند رها کند. مناسبت چهارشنبه سوری این واقعیت دردناک را پیکار دیگر به آن یادآوری کرد. در سراسر کشور و در دهها نقطه تهران، جوانان و مردم معترض، سیاسی و اعتراضی ترین جشن چهارشنبه سوری تاریخ ایران را برپا کردند و با آتش سرخ شعارهای شان به جنگ استبداد زرد آلوده مذهبی رفتند.

در همان روزهایی که رییس دستگاه قضاییه مَلاها، آخوند اژه ای، با اعلام «عفو ۲۲ هزار نفر از اغتشاشگران»، افسارگسیختی و حجم سرکوب را به رخ جامعه می کشید تا توده را از اعتراض فعال بهرساند، در چار گوشه ی جغرافیای ایران، فریاد «مرگ بر خامنه ای» و «مرگ بر حکومت بچه کش» خیابانها و کوچه ها را پر کرد. حرکتی اعتراضی که از روز دوشنبه آغاز شده بود و تا امروز ادامه یافت، به دستگاه حاکم نشان داد غولی که از چراغ خارج شده را نمی تواند به آن بازگرداند.

زنجیره اعتراضات خیابانی حتی برای چند روز نیز گسسته نشده است. در هفته های گذشته در کنار حرکتی صنفی کارورزان در شهرهای مختلف، دو حرکت سراسری مَلمان و بازنشستگان نیز سازمان داده شد. مطالبات سیاسی از یکطرف و خواسته های صنفی و معیشتی از طرف دیگر، اجازه فرو نشستن آتش اعتراضات و خیزشها را نمی دهد. جامعه برخاسته تا شرایط خود را تغییر دهد و با این روحیه و نگاه به این آفق، زندگی روزمره اش را سامان می دهد و به رویدادهای پیرامون اش، به مناسبتی گوناگونی که فرا می رسد و به راه حلهایی که در برابرش قرار دارد، واکنش نشان می دهد.

ناکارایی سرکوب و وحشیگری را فقط دستگاه حاکم نیست که درک می کند، آنهايي



کيهان شریعتمداری، بنگاه نظری خامنه ای در ۱۵ دی ۱۳۹۴، بعد از یورش آتش به اختیاران خامنه ای به سفارت عربستان، نوشت: «تنگ رابطه با آل سعود از دامان ایران اسلامی پاک شد». همین بنگاه خبری بیت خامنه ای در روز شنبه ۲۰ اسفند ۱۴۰۱ نوشت: «توافق ایران و عربستان ضربه کاری به آمریکا و رژیم صهیونیستی.» با نگاه به وضعیت دو کشور و چرایی ضرورت برقراری مناسبات باید گفت شرایط رژیم ولایت فقیه است که در مدت ۷ سال قطع ارتباط عوض شده است. جمهوری اسلامی است که برای تنفس به این مناسبات نیاز دارد. ریختن نیم میلیارد دلار به جیب رژیم در عراق با توافق آمریکا، برآورده شدن نیاز رژیم است. سوال اینست که برقراری مناسبات با عربستان، برای «بحران مدیریت چالشهای منطقه» به گفته پاسدار شمخانی چگونه پیش خواهد رفت؟

سیاست تنش زدایی اساسا با ساختار رژیم و سیاستهای آن سر سازگاری ندارد. برای پیشبرد صلح و آرامش در منطقه، رژیم باید از دخالت در یمن و ارسال تجهیزات تسلیحاتی به حوثیها، دخالت در کشورهای عربی با تقویت هلال شیعی، دخالت در سوریه و عراق و لبنان دست بردارد. ایجاد بحران در منطقه و رشد تروریسم یکی از پایه های امنیت رژیم است. اگر رژیم باوجود جنگ و جدال باندهای درونی خود به این سیاست تن دهد و از صدور ارتجاع و بنیادگرایی و تروریسم دست بکشد، چیزی برای حفظ اقتدار ارتجاعی و سینه چاکان خود نخواهد داشت.

این که در پشت پرده آمد و شد در عمان و عراق به عنوان پیش زمینه بیانیه سه جانبه در چین چه گذشته و رژیم چه داده و چه گرفته، روشن نیست. اما این نکته روشن است که پولهایی که به جیب رژیم از هر طرفی ریخته شود، تقویت تروریسم در منطقه و به ضرر مردم ایران است و به همینگونه توافق بر سر تبادل زندانیان بین آمریکا و رژیم، تشویق گروهانگیری برای باج گیری است. ساختار تروریستی رژیم، اساسا چشم انداز یک مناسبات پایدار و تنش زا در منطقه را نشان نمی دهد.

فراسوی خبر ... دوشنبه ۲۲ اسفند



که در سه روز گذشته دوباره به خیابان آمدند و آتش برافروختند و همه کسان دیگری که هنوز به آنها نپیوسته اند، این واقعیت را زنده و مستند دیدند و تجربه کردند. آنها کافی است به کاتالوگ اقدامات سرکوبگرانه ای که حاکمیت از شهریور تا به حال ارائه کرده پَنگزند و دریابند که همگی آنها یک ویژگی مشترک دارد و آن تدافعی بودن است. عربده کشی و تهدیدهای روزانه رهبران و کارگزاران حاکمیت، این فاکت را نمی تواند پنهان کند که جامعه در حال پیشروی است و میدان بقا را برای «نظام» هر روز تنگ تر از پیش می کند.

استبداد مذهبی به یک بُن بست مرگبار کشانده شده؛ نه اراده برآوردن حتی بخشی از خواسته های جامعه را دارد و نه می تواند آن را به خاموشی وادار سازد. از این رو چاره ای جز مشاهده زرقش صف بندی موجود بین خود و توده معترض و گداخته شدن تضادی که رابطه اش با آن را تنظیم می کند، ندارد. سوخت آتش خیابان از اینجاست.

فراسوی خبر ... پنجشنبه ۲۵ اسفند

معلمان؛ خنثی سازی استراتژی سرکوب، پرده اول

منصور امان

با وجود تلاشهای جنون آمیز رژیم ولایت فقیه برای به عقب راندن جامعه معترض، روز گذشته دهها شهر شاهد شکل گیری یک حرکت اعتراضی سراسری دیگر بود. گردانهای پیشرو خیزش انقلابی، زنان، معلمان و دانشجویان دوباره به خیابان آمدند و به حاکمیت پناه گرفته در پس سم و تفنگ نشان دادند که شرایط به عقب برنمی گردد.

گرچه فراخوان معلمان محورهای صنفی و معیشتی را پایه داشت، اما روشن است که طرح بی واسطه هر مطالبه ای از طریق خیابان و با کنار گذاشتن مجراهای «قانونی»، به چالش گرفتن حاکمیتی است که ناامیدانه برای تامین اقتدار ضربه خورده اش در جنگ روزمره با جامعه بسر می برد. راهکارهایی که در برابر «نظام» برای بستن گارد خود از این زاویه قرار دارد، زیاد نیست؛ غارتگران و بهره کشان حاکم یا باید خواستههای کارورزان را به زیان منافع عام خود برآورده سازند، یا با سرکوب و نیرنگ آنها را عقب برانند. هیچکدام از این دو راه حل را برای رژیم حاکم عملی نیست؛ اولی را نمی خواهد و دومی را نمی تواند.



از سوی دیگر باید در نظر گرفت که اعتراضات سراسری سه شنبه در کُدام چارچوب و محیط اجتماعی شکل گرفت. با جنبش انقلابی شهریور یک صف بندی روشن و فعال بین رژیم حاکم و جامعه نظم یافت که تمامی بخشها و لایه های اجتماعی را کم و بیش در خود جای داد. در دوره ای که این جنبش آغاز کرد و همچنان در آن بسر می بریم، سوال مرگ و زندگی برای هر دوطرف مطرح است و میدان جدال سازگار با آن آرایش یافته. انقلاب برای زندگی و استبداد مذهبی برای بقا می جنگد. در چنین جنگی شرط اول و آخر «نظام» برای ماندن و رفته نشدن به دست انقلاب، فلج کردن آن از هر راه و با هر وسیله، جلوگیری از تحرک نیروهایش و سراخر خاموش کردن التهاب اجتماعی است. حرکت سراسری روز سه شنبه همان عاملی است که این استراتژی را خنثی می کند.

تردید نباید کرد که حاکمیت پس از انتشار فراخوان معلمان بی درنگ در وضعیت هشدار و آماده باش قرار گرفته و دستگاه های امنیتی و بازوهای نظامی و پلیسی آن تمام تلاش خود را برای جلوگیری از این حرکت به کار گرفته بودند. همگی آنها می دانند که هر گاه میدانی گشوده شود، نه فقط با این یا آن صنف و قشر، بلکه با جامعه معترضی روبرو خواهند بود که با خواسته مشترک سرنگونی از دروازه یک حرکت مشخص وارد می شود. پیوستن زنان، دانشجویان، خانواده های دانش آموزان و فعالان مدنی و سیاسی به حرکت معلمان و سر داده شدن شعارهایی در طرد دستگاه حاکم و رهبران، این دانسته های ترسناک و آرامش برهم زن را یکبار دیگر پیش چشمان «نظام» مجسم کرد.

در همین حال حرکت اعتراضی سه شنبه، به پلاتفرم مبارزاتی ای که از سوی نیروهای متشکل اجتماعی و با نام «منشور مطالبات حداقلی تشکلهای صنفی و مدنی» مطرح گردیده، وزن و اعتبار بیشتری بخشید. این حرکت، وجود نیروهای بالفعلی که پشتوانه عملی مبارزه پرای برآوردن مطالبات منشور هستند را یادآور شده و آنان را به مثابه یک فاکتور مهم در روندهای سیاسی- اجتماعی اکنون و آینده و سمتگیری دموکراتیک انقلاب، بیش از پیش به جلوی صحنه می آورد.

فراسوی خبر... پنجشنبه ۱۸ اسفند

«انتقام سخت» تروریستی از دختران در هنگامه انقلاب جاری

زینت میرهاشمی

به دنبال روایت سازیهای مبتذل در مورد عملیات تروریستی شیمیایی-بیولوژیکی علیه دختران دانش آموز، گفته «کار خودشونه»، میان مردم و کنشگران ایرانی در داخل و در خارج از ایران جنبه غالب دارد. پیشینه رژیم برای گرفتن «انتقام سخت» در شرایط بحرانی، در این مورد هم می تواند صدق کند.

دادن کارت سبز به لباس شخصیها و مزدوران به عنوان «آتش به اختیار» از طرف خامنه ای، تشویق قاتلان زنجیره ای و اسید پاشی بر زنان، تشویق قاتلان برای بریدن سر زنان با محکومیههای بسیار ناچیز و... ترویج خشونت توسط نمایندگان خامنه ای از بلندگوهای مساجد و میدان دادن به تظاهرات زنان مرتجع برای سرکوب مستقیم زنان و... نمونه هایی است که مسموم کردن عمدی، زنجیره ای و سراسری دانش آموزان را عملی سازماندهی شده و هدفمند و... معرفی می کند.

خامنه ای متهم اصلی در این گونه رویدادهای جنایتکارانه، پس از نزدیک به چهار ماه، روز دوشنبه ۱۵ اسفند به صحنه آمد و گفت: «اگر مسمومیت دانش آموزان اثبات شود، باید عوامل این جنایت به اشد مجازات برسند.» در حرف او سناریوی دیگری، مانند مجازات بعد از اعتراف گیری نمایشی کسی که «گول خورده» است را هم می شود پیش بینی کرد.

خبرگزاری فارس وابسته به سپاه پاسداران روز یکشنبه ۱۴ اسفند نوشت: «کارشناسان و متخصصان تاکنون دو فرضیه را در این خصوص پررنگ تر می دانند یکی احتمال شیطنت نوجوانانه در داخل مدارس و دیگری ترس جمعی که متخصصانی مانند جهانپور سخنگوی اسبق وزارت بهداشت بر آن تاکید دارند.»

رسانه حکومتی «خبر فوری» روز یکشنبه ۱۴ اسفند اعلام کرد: «روایت یکی از نیروهای اورژانس از دلیل بستری و وضعیت دانش آموزان؛ مشکلی ندارند، تمام بچه هایی که معاینه کردیم فقط استرس عصبی داشتند و در هیچ یک، علائم مسمومیت وجود نداشت.»

وزارت کشور چند ساعت پس از حرفهای خامنه ای بیانیه ای منتشر کرد و ضمن قبول مسمومیت «در ۲۵۰ کلاس» در سراسر کشور این پدیده را «یک اقدام عامدانه و جنایتکارانه» دانسته که تحقیقات پیرامون آن توسط «دستگاههای اطلاعاتی و انتظامی» ادامه دارد. در این بیانیه

همچنین آمده است: «تعداد محدودی از دانش آموزان ابراز احساس عوارض و ناراحتی کرده اند. خوشبختانه تا این لحظه وجود مواد سمی و خطرناک در هیچ یک از دانش آموزان مراجعه کننده به مراکز درمانی یافت نشده است... بیش از ۹۰ درصد ابراز ناراحتی دانش آموزان ناشی از اضطراب و نگرانیهای ایجاد شده در فضای کلاس و مدرسه بوده است. برابر بررسیهای به عمل آمده بخشی از مواردی که منجر به ایجاد التهاب در برخی از مدارس شده است، ناشی از اقدامات ماجراجویانه است که مساله مورد رسیدگی قرار گرفته است.»

یوسف نوری، وزیر آموزش و پرورش رژیم، گفته است: براساس نظرات رئیس دانشگاه علوم پزشکی تهران، اقدامات تمهیدی برای جو روانی ایجاد شده در مسمومیههای دانش آموزان باید ایجاد شود و هر کدام از بخشها وظایفی را بر عهده دارند.» (خبرگزاری تسنیم ۱۵ اسفند)

کنشها و واکنشهای مردم و حکومت در مورد این جنایت ضد بشری نشان می دهد که این عمل برای ایجاد ترس و وحشت و بازپس گیری دستاوردهای قیام ۱۴۰۱ است که دانش آموزان نقش مهمی در آن داشتند. این گونه کارها بدون نظر حکومت و در راس آن خامنه ای امکان عملی شدن ندارد. رسیدگی به این جنایت و مجازات آمران و عاملان آن، تنها توسط یک کمیته تحقیق از نهادهای بین المللی بیطرف امکان پذیر است. سناریوهای نخ نمای رژیم مانند همیشه در جهت پنهان کردن آمران این جنایت و تقلیل عاملان آن به کارکنان نه چندان مهم خواهد بود.

فراسوی خبر... سه شنبه ۱۶ اسفند



نبرد خلق

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

سردبیر: زینت میرهاشمی

هیات دبیران: منصور امان زینت میرهاشمی

هیات تحریریه: منصور امان، زینت میرهاشمی، مهدی سامع

همکاران نشریه: امید برهانی، فرنگیس بایقره، اسد طاهری، کامران عالمی نژاد، فتح الله کیائیه

چاپ: انجمن فرهنگی نبرد

NABARD - E - KHALGH

No : 462/ 21 March 2023

Organ of the Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas

Executive Editor: Zinat Mirhashemi

Fax: Italia / 39 - 085 802 53 56

Price: \$ 1 – 1 euros

NABARD / B.P. 77 /91130 Ris orangis /FRANCE

www.iran-nabard.com

E.Mail: nabard@iran-nabard.com

Published by : NABARD CULTURAL ASSOCIATION

NABARD - E – KHALGH in Telegram ///@nabard_khalg --- https://telegram.me/nabard_khalgh

NABARD - E – KHALGH in Facebook //// <https://www.facebook.com/nabardekhalgh>

شهادت فدایی در فروردین ماه



رفیق کریم حاجی محمدی

رفقا: جواد سلاحی، خشایار سنجری، محمد رضا معصوم خانی، بیژن جزنی، حسن ضیاء ظریفی، عباس سورکی، مشعوف (سعید) کلانتری نظری، محمد چوپان زاده، عزیز سرمدی، احمد جلیل افشار، حمید اکرامی، محمدرضا کامیابی، غزال (پردخت) آبتی، سمین پنجه شاهی، نسرين پنجه شاهی، عباس هوشمند، یدالله سلسبیلی، علی میرابیون، محمدرضا کامیابی، در درگیری جلیل

آرازی، بردی محمد کوسه غراوی، بهرام آق آتابای، عطا خانجانی، آراز محمد بهروزی، آراز محمد وردی پور (دردی پور)، غفور عمادی، عبدالله صوفی زاده، قربانعلی پورنوروز، حاجی محمد آخوندی، سعید جوان مولایی، انشالله اسدیان، علی محمد خوجه، فیروز شکری، آنا بردی سرفراز، قربان (آرقا) شفیعی، سلطان علی اشترانی فرید، محمد ابراهیم مفتاح، علی راستی پور، فیروز صدیقی، نور محمد شفیعی، پروین افروزه، پروین ره انجام، مهرداد چمنی، محمد حرمتی پور، جواد رجبی، حسن عطازیان، عبدالرسول (رضا) عابدی، منوچهر کلانتری نظری، احمد برارپور، صدیق دیده ور، حسین باطبی، عبدالعلی غفوری ورزنه، فرانک سعید اعمایی، کریم حاج علی محمدی، اکبر مسلم خانی، غلام حسین خاکباز، اسد رفیعیان، غلام رضا مولائی بیرگانی، مسعود رقابی (آرقابی)، بهمن فاضلی فارسانی، اسماعیل علی پناه، مسعود صدیق، جمشید هدایتی و ... در پیکار علیه امپریالیسم و ارتجاع توسط مزدوران رژیمهای شاه و خمینی به شهادت رسیدند.

پس از حمله مزدوران رژیم به گنبد کاوس (ترکمن صحرا)، یک گروه داوطلب پزشکی از سنجند برای کمک مردم گنبد عازم این شهر حرکت می شوند که در جاده تصادف می کنند و نه نفر از آنان جان می بازند.

لطف الله نژادیان

اسعد وزیر

فریده ذکریایی

اسماعیل علی پناهی

رئوف کمانگر

گلریز قبادی

جمیل سجادی

فاتزه قطبی --- جمیل ذکریایی

یادواره شهیدان فدایی

رفیق آراز محمد دُردی پور

گردآوری و تنظیم: امیر ابراهیمی

این اقدام جنایتکارانه، رفیق آراز محمد دُردی پور به شهادت رسید و مجروحان به بیمارستان منتقل شدند. روز بعد طبق قرار قبلی میتیگی برگزار شد و جمعیت زیادی به بیمارستان شیر و خورشید مراجعه کرده و قصد داشتند پیکر شهید آراز را مشایعت

رفیق آراز محمد دُردی پور متولد سال ۱۳۳۶ در شهر گنبد و عضو کانون فرهنگی سیاسی خلق ترکمن بود. در روزهای پس از انقلاب بهمن ۱۳۵۷ که تمام ایران در تلاش برای آزادی بود، شهر گنبد حساسیت زیادی



کنند که ماموران کمیته مستقر در شهرستانی دوباره به مقابله با جمعیت پرداختند و حتی هواپیمای جنگی در سطح شهر به پرواز در آمد و دیوار صوتی را شکست تا به این وسیله مردم را بترساند و آنان را پراکنده کند.

این موضوع باعث خشم بیشتر مردم شد و روزهای بعد از این جریان جنگ اول در گنبد شکل گرفت. رفیق آراز (محمد) دُردی پور سمبل نسل انقلابی بود که از همان ابتدا با توطئه های جبهه ضد انقلاب شامل رژیم حاکم، مالکان بزرگ و روحانیون حامی اربابان (آشنا و با آنان به چالش پرداخت و جانانه از خواسته ها و منافع مردم دفاع کرد.

داشت زیرا مردم و به ویژه نیروهای جوان و انقلابی شهر برنامه مصادره زمینهای اربابان را ارائه کرده و برای تحریم رفتارندوم فراخوان داده بودند و نیروهای ارتجاعی و سرکوبگر از جمله «کمیته ها» به وسیله حاکمان جدید از مشهد و تهران را به شهر گنبد اعزام شدند.

پنجم فروردین ۱۳۵۸ در چهار راه میهن نیروهای کمیته برای ایجاد جو نظامی و در دست گرفتن اوضاع، مردم و دستفروشان را پراکنده کردند که رفیق آراز و تعدادی دیگر از مردم به رفتار ماموران اعتراض و مقابل آنان ایستادند.

در این میان نیروهای سرکوبگر کمیته شروع به شلیک گلوله کردند که چند نفر مورد اصابت قرار گرفتند. در

نابود باد امپریالیسم و ارتجاع جهانی – زنده باد استقلال، دموکراسی، صلح و سوسیالیسم